

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ





مقام و منزلت فاطمے
در کلام رہبری



بہ ضمیمہ خطبہ حضرت زہرا ؑ

مقام و منزلت فاطمی در کلام رهبری

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه بزرگ قرآن کریم

قطع: پالتویی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۵۰۰۰ نسخه

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه، معاونت فرهنگی و اجتماعی

آدرس مجتمع: قم، خیابان صفائیه، کوچه ممتاز، کوی ۷، پلاک ۳۲

مجتمع فرهنگی پژوهشی معاونت و اجتماعی فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن: ۰۲۵۱- ۷۷۶۶۴۳۱- ۰۲۵۱- ۷۷۳۷۱۳۱- ۰۲۵۱- ۷۷۳۷۱۳۱

پیکسٹار



در بیان و وصف مقام قدسی حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا •، عقول حیرانند و قلم ها از حرکت و زبانها از سخن گفتن باز میمانند. نگاهی به احادیثی که مقام این بانوی قدسی را بیان میکنند، گوشه هایی از عظمت این مقام نورانی را آشکار میسازد.

فاطمه • در نزد مسلمانان برترین بانوی جهان در تمام قرون و اعصار می باشد. رسول اکرم • می فرماید: «فاطمه سرور زنان جهانیان است». ولی علو مقام حضرت زهرا • تنها محدود به عصر حیات آن بزرگوار نمی باشد و در تمامی اعصار جریان دارد. لذا است که پیامبر اکرم • در کلامی دیگر صراحتاً فاطمه • را سرور زنان اولین و آخرین ذکر می نمایند.

زندگی کوتاه سرور زنان دو عالم سراسر بندگی بود و مورد رضایت حضرت حق؛ تا آنجا که رسول خدا • خطاب به پاره تنش فرمودند: «إن الله يغضب لغضبک و یرضی لرضاک؛ همانا خداوند از خشم تو خشمناک، و از خشنودی تو خشنود میشود.» شناخت سراسر زندگانی و تمامی لحظات حیات او، از ارزش فوق العاده برخوردار می باشد. چرا که آدمی با دقت و تأمل در آن می تواند به عالیترین رتبه های روحانی نائل گردد.

از سوی دیگر با مراجعه به قرآن کریم درمی یابیم که آیات متعددی در بیان شأن و مقام حضرتش نازل گردیده است که از آن جمله می توان به آیه ی تطهیر، آیه مباهله، آیات آغازین سوره دهر، سوره کوثر، آیه اعطای حق ذی القربی و... اشاره نمود که خود تأکیدی بر مقام عمیق آن حضرت در نزد خداوند است.

معاونت فرهنگی و اجتماعی، حسب الامر نماینده محترم ولی فقیه و رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه مبنی بر تعمیق و گسترش باورهای دینی و افزایش بصیرت عمومی در دفاع از ولایت مخصوصاً در این برهه از زمان که آماج حملات متعدد داخلی و خارجی است، این کتاب را به همه پیروان آن مظلومه تاریخ اهداء می نماید.

معاونت فرهنگی و اجتماعی
سازمان اوقاف و امور خیریه

مقام و منزلت فاطمی
در کلام رهبری



معمای ناگشوده‌ی ذهن بشر و معارف بشری

... برای انسان‌های کوچکی مثل من، خیلی دشوار است که بخواهند - و لو از دور - درباره‌ی آن عظمت سخن بگویند. ما یک چیز و یک خیال و یک تصویر و یک نقش در ذهنمان می‌گذرانیم. این کجا، و واقعیت‌ها و حقیقت‌ها - که بسی عظیم‌تر از ذهن ماست - کجا؟ واقعاً دختر پیامبر، معمای ناگشوده‌ی ذهن بشر و معارف بشری است. همه‌ی انسان‌ها را یک طرف بگذارید، اولیاء را هم در طرف دیگر بگذارید. با این که تعداد اولیاء کم است، اما وزنه‌ی آنها از همه‌ی بشریت سنگین‌تر است. اگر ملاک وزانت و عظمت را معرفت و آگاهی از حقیقت عالم و نزدیکی به خدا - یعنی سرچشمه‌ی همه‌ی وجودها - بدانیم، یکی از اولیای خدا، از ماسوای همه‌ی اولیا و از همه‌ی وجود منهای اولیا، عظیم‌تر و وزین‌تر و باشکوه‌تر است.

وقتی به صف اولیاء و عبادالله الصالحین نگاه می‌کنید، قللهایی وجود دارد که نسبت آن قلله‌ها به بقیه‌ی انسان‌های بزرگ عالم معنا، یک نسبت غیر قابل تصور و فوق‌العاده عظیمی است. اختلاف، اختلاف فاحشی است. این قلله‌ها، همان کسانی هستند که در تاریخ نبوت‌ها هم هر جا شما چشم بدوزید، از هر طرف آنها را می‌بینید؛ مثل انبیای اولوالعزم و بزرگانی از این دست و در این حد. اما در مجموعه‌ی این عظمت‌ها و شکوه‌ها و در بین این برجسته‌ترین‌ها که ذکرشان برای ما فقط لقلقه‌ی لسان است و امثال من، دل و روح و

جانشان، بسیار کوچک‌تر و خردتر و حقیرتر از آن است که بخواهند این معنویت‌ها را درک کنند و همین‌طور از دور تصویری در ذهنشان دارند و آنرا بر زبان می‌آورند- که باز این تصویر هم، از کلمات خودشان است- چند نمونه‌ی بسیار نادر وجود دارد که از حد توصیف و بیان بالاترند و یکی از اینها، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام است. فقط با پیامبر صلی الله علیه و آله و با امیرالمؤمنین علیه السلام می‌شود او را مقایسه کرد.^۱



فاطمه زهرا علیها السلام نور چشم کروبیان

در روایتی خواندم که درخشندگی فاطمه‌ی زهرا علیها السلام باعث می‌شود تا چشمان کروبیان ملاً اعلی خیره شود: «زهر نورها للملائكة السماء»^۲. برای آنها می‌درخشد. ما از این درخشندگی چه استفاده‌ای بکنیم؟^۳

۱۲

۱. سخنانی در دیدار با مداحان اهل‌بیت علیهم السلام، به مناسبت میلاد مبارک صدیقی کبری فاطمه‌ی زهرا علیها السلام ۱۳۶۹/۱۰/۱۷
۲. امالی شیخ صدوق، ص ۹۹. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «فاطمه علیها السلام دختر من برترین زنان از اولین تا آخرین آنهاست. فاطمه زهرا علیها السلام پاره تن من است. زهرا علیها السلام نور دو چشم من است. زهرا علیها السلام میوه قلب من است. زهرا علیها السلام روح و جان من است. زهرا علیها السلام حوری‌های است که به قیافه انسان در آمده. هنگامی که فاطمه علیها السلام در مقابل پروردگار خود در میان محراب عبادت می‌ایستد نور او برای ملائکه آسمان نظیر نور ستارگان از برای اهل زمین می‌درخشد. خداوند به ملائکه خود می‌فرماید: ای ملائکه من! به فاطمه علیها السلام که برترین کنیزان من است نظر کنید که چگونه در مقابل من قرار گرفته است. اعضاء و جوارح او از خوف من می‌لرزد. فاطمه علیها السلام با توجه قلبی مشغول عبادت من شده است من شما را شاهد می‌گیرم که شیعیان وی را در امان می‌گذارم...»
۳. بیانات در دیدار مداحان به مناسبت ولادت حضرت زهرا علیها السلام ۱۳۷۳/۰۹/۰۳.

اتفاق نظر شیعه و سنی در عظمت فاطمه علیها السلام

این که همه‌ی دنیای اسلام از آن روز تا امروز - شیعه و سنی فرقی ندارد - این بانوی بزرگوار را با چشم عظمت و جلالت نگاه می‌کنند، این هم خودش یکی از آن نشانه‌ها و علامت‌هاست. امکان ندارد که همه‌ی عقلا، علما و متفکران با نخله‌ها و عقاید مختلف در همه‌ی تاریخ یک امت و ملت، بر مدح و ستایش یک مرکز متفق‌القول باشند. این نیست مگر عظمت توصیف‌ناپذیر آن مرکز؛ این خودش یک علامت است. همه‌ی این عظمت‌ها مربوط به یک بانوی هجده ساله؛ یک دختر جوان است!^۴



۱۳

ستایش معاندان درباره‌ی فاطمه علیها السلام

همزمانی و هم‌عصری از عواملی است که مانع از شناخت درست شخصیت‌ها می‌شود. ستارگان درخشان عالم بشریت غالباً در زمان حیاتشان به‌وسیله‌ی هم‌عصرانشان شناخته نشده‌اند؛ مگر عده‌ی کمی از برجستگان که انبیاء و اولیاء باشند؛ آن هم به‌وسیله‌ی عده‌ی معدودی. اما فاطمه‌ی زهرا علیها السلام چنانند که در زمان خودشان، نه فقط پدر و همسر و فرزندان و شیعیان خاصشان، بلکه حتی کسانی که شاید رابطه‌ی صمیمانه و گرمی هم با ایشان نداشتند، زبان به مدح آن بزرگوار گشودند.^۵

۴. بیانات در دیدار مداحان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه علیها السلام ۱۳۸۳/۰۵/۱۷

۵. بیانات در دیدار مداحان به مناسبت ولادت حضرت زهرا علیها السلام ۱۳۷۳/۰۹/۰۳

تعلق اهل بیت بخصوص فاطمه علیها السلام به دنیای اسلام

هیچکس نباید خیال کند که اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله مخصوص و متعلق به شیعه‌اند؛ نه، مال همه‌ی دنیای اسلامند. چه کسی است که فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را قبول نداشته باشد؟ چه کسی است که حسنین علیهم السلام سیداً شباب اهل الجنة را قبول نداشته باشد؟ چه کسی است که ائمه‌ی بزرگوار شیعه را قبول نداشته باشد؟ حالا یکی او را امام و واجب‌الاطاعة و مفروض‌الطاعة میدانند، یکی نمیدانند؛ اما قبولشان دارند. اینها حقایقی است، باید اینها را فهمید، باید اینها را نهادینه کرد. بعضی البته این را نمی‌فهمند، متحرک به تحریک دشمن می‌شوند. در حالی که خیال میکنند که کار درست را انجام میدهند. «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا* الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا؟»؛ خیال میکنند کار خوب میکنند، غافل از اینکه دارند برای دشمن کار میکنند. این خصوصیت زمان ماست.^۷

۶. الکهف، ۱۰۴-۱۰۳.

۷. بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۳

عبادت زهرا علیها السلام

«حسن بصری» که یکی از عباد و زهاد معروف دنیای اسلام است، درباره‌ی فاطمه زهرا علیها السلام می‌گوید: به قدری دختر پیغمبر عبادت کرد و در محراب عبادت ایستاد که «تَتَوَرَّمُ قَدَمَاهَا» پاهای آن بزرگوار از ایستادن در محراب عبادت، ورم کرد!^۸



دعا در حق همسایه

امام حسن مجتبی علیه الصلوة و السلام می‌گوید: شبی - شب جمعهای - مادرم به عبادت ایستاد و تا صبح عبادت کرد. «حَتَّى أَنْفَجَرْتُ عَمُودَ الصُّبْحِ». تا وقتی که طلوع فجر شد. مادر من از سر شب تا صبح مشغول عبادت بود و دعا و تضرع کرد. امام حسن علیه الصلوة و السلام، می‌گوید - طبق روایت - شنیدم که دائم مؤمنین و مؤمنات را دعا کرد؛ مردم را دعا کرد؛ برای مسائل عمومی دنیای اسلام دعا کرد. صبح که شد گفتم: «یا اُمَّاه!» «مادرم!» «لَهُمْ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِعَيْرِكَ» «یک دعا برای خودت نکردی! یک شب تا صبح دعا، همه برای دیگران!» در جواب فرمود: «یا بُنَيَّ، الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ» «اول دیگران بعد خود ما!» این، آن روحیه‌ی والاست.^۹

۸. و قال الحسن البصري: ما كَانَ فِي الدُّنْيَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَعْبَدَ مِنْ فَاطِمَةَ علیها السلام كَأَنَّ تَتَوَرَّمُ حَتَّى تَتَوَرَّمُ قَدَمَاهَا. المناقب، ج ۳، ص ۳۴۱؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۷۶، ج ۶۲ و ج ۴۳، ص ۸۴، ج ۷؛ احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۲۶۱.

۹. الامام الحسن علیه السلام: رأيت أُمِّي فَاطِمَةَ قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا لَيْلَهُ جَمَعْتِهَا، فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى أَتَضَحَّ عَمُودَ الصُّبْحِ وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تُسَمِّيهِمْ وَ تَكْثُرُ الدَّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ فَقُلْتُ لَهَا: يَا أُمَّاهُ! لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِعَيْرِكَ. فَقَالَتْ: يَا بُنَيَّ! الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ. علل الشرايع، ج ۱، ص ۱۸۲، ج ۱؛ بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۲، روایت ۳، ج ۸۹، ص ۳۱۳، روایت ۱۹.

گفتگو با فرشتگان

شیعه و سنی معتقدند که در دوران اسلام، کسانی بوده‌اند یا می‌توانسته‌اند وجود داشته باشند که فرشتگان با آنها سخن بگویند. مصداق این در روایات ما، فاطمه‌ی زهراست. در روایت امام صادق علیه الصلوة و السلام چنین است که فرشتگان الهی نزد فاطمه‌ی زهرا علیها السلام می‌آمدند؛ با او حرف می‌زدند و آیات الهی را بر او می‌خواندند؛ همان تعبیراتی که نسبت به مریم علیها السلام در قرآن هست که: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَيْكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَيْكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»^{۱۱}. این عبارات را فرشتگان به فاطمه‌ی زهرا علیها السلام خطاب می‌کردند و می‌گفتند: «یا فاطمه، إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَيْكِ وَطَهَّرَكِ» خدا تو را برگزیده و پاک قرار داده است. «وَ اصْطَفَيْكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» تو را بر زنان عالم برتری داده است.^{۱۲}

۱۶



-
۱۰. بیانات در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا علیها السلام و «روز زن» ۱۳۷۱/۰۹/۲۵
۱۱. آل عمران، آیه ۴۲.
۱۲. بیانات در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت زهرا علیها السلام و «روز زن» ۱۳۷۱/۰۹/۲۵

ماندگاری خطبه فاطمه زهرا (علیها السلام) در طول تاریخ

حالا بعد از قضیه‌ی وفات پیامبر (صلی الله علیه و آله)، آمدن به مسجد و آن خطبه‌ی عجیب را خواندن، خیلی شگفت‌انگیز است! اصلاً امثال ما که اهل سخنرانی و حرف زدن ارتجالی هستیم، می‌فهمیم که چقدر این سخنان عظیم است. یک دختر هجده ساله، بیست ساله و حداکثر بیست و چهار ساله - که البته سن دقیق آن حضرت مسلم نیست؛ چون تاریخ ولادت آن بزرگوار مسلم نیست و در آن اختلاف است - آن هم با آن مصیبت‌ها و سختی‌ها به مسجد می‌آید، در مقابل انبوه جمعیت، با حجاب سخنرانی می‌کند که آن سخنرانی، کلمه به کلمه‌اش در تاریخ می‌ماند.

عربها به حافظه‌ی خوش معروف بودند. یک نفر می‌آمد یک قصیده‌ی هشتاد بیتی می‌خواند، بعد از این که جلسه تمام می‌شد، ده نفر می‌گرفتند آن را می‌نوشتند. این قصایدی که مانده، غالباً این‌گونه مانده است. اشعار در نوادی - یعنی آن مراکز اجتماعی - خوانده می‌شد و ضبط می‌گردید. این خطبه‌ها و این حدیث‌ها، غالباً این‌گونه بود. نشستند، نوشتند و حفظ کردند و این خطبه‌ها تا امروز مانده است. کلمات مفت در تاریخ نمی‌ماند؛ هر حرفی نمی‌ماند. این قدر حرفها زده شده، آن قدر سخنرانی شده، آن قدر مطلب گفته شده، آن قدر شعر سروده شده؛ اما نمانده است و کسی به آنها اعتنا

نمی‌کند. آن چیزی که تاریخ در دل خودش نگه می‌دارد و بعد از هزار و چهارصد سال هر انسان که می‌نگرد، احساس خضوع می‌کند، این یک عظمت را نشان می‌دهد. به نظر من، این برای یک دختر جوان الگوست. شما راست می‌گویید؛ تقصیر ما متصدیان این امور است. البته منظورم امور دولتی نیست؛ منظورم امور معنوی و دینی است که این جوانب را، آن چنان که باید و شاید، درست در مقابل نسل جوان قرار نداده‌ایم؛ اما شما خودتان هم می‌توانید در این زمینه‌ها کار کنید. همه‌ی زندگی ائمه از این قبیل دارد.^{۱۳}



بوسیدن دست فاطمه زهرا (علیها السلام) توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله)

... در چنین دنیایی، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دختری تربیت می‌کند که این دختر، شایستگی آن را پیدا می‌کند که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) بیاید دست او را ببوسد! بوسه بر دست فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) از طرف پیامبر (صلی الله علیه و آله) را، هرگز نباید حمل بر یک معنای عاطفی کرد. این خیلی غلط و خیلی حقیر است اگر ما خیال کنیم که چون دخترش بود و دوستش می‌داشت، دستش را می‌بوسید. مگر شخصیتی به آن ارجمندی، آن هم با آن عدل و حکمتی که در پیامبر (صلی الله علیه و آله) هست و اتکایش به وحی و

۱۳. گفت و شنود در دیدار جمعی از جوانان به مناسبت هفته‌ی جوان ۱۳۷۷/۰۲/۰۷

الهام الهی است، خم می‌شود و دست دخترش را می‌بوسد؟ نه، این یک چیز دیگر و یک معنای دیگری است؛ این حاکی است که این دختر جوان، این زنی که وقتی از دنیا رفته، بین هجده سال تا بیست و پنج سال سن داشته - هجده سال هم گفته‌اند، بیست و پنج سال هم گفته‌اند - اصلاً در اوج ملکوت انسانی قرار داشته و یک شخص فوق‌العاده بوده است. این، نگرش اسلام به زن است؛ سراغ این بروید؛ هم در بررسی‌های مربوط به فرهنگ و مسائل اجتماعی و نگرش‌ها - که این خانم‌های عضو شورای فرهنگی، اجتماعی زنان مسؤولش هستند - و هم در پرورش علمی - که شما خانم‌های دانشمند دنبالش هستید - سراغ این بروید.^{۱۴}



فاطمه زهرا علیها السلام مصداق کوثر

وقتی که پسران نبی اکرم صلی الله علیه و آله در مکه یکی پس از دیگری از دنیا رفتند، دشمنان شماتت‌گر اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله - که ارزش‌هایشان منحصر در مال و ثروت و فرزند و جاه و جلال دنیایی بود - پیامبر صلی الله علیه و آله را شماتت کردند و گفتند تو ابرتر هستی - یعنی بی‌دنباله - و با

۱۴. بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، جمعی از زنان پزشک متخصص، و مسؤولان اولین کنگره‌ی حجاب اسلامی، به مناسبت میلاد حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها السلام ۱۳۷۰/۱۰/۰۴

مرگ تو، همه چیز از آثار و نشانه‌های وجود تو تمام خواهد شد! خداوند متعال این سوره را بر پیامبر ﷺ نازل کرد، تا هم قلب پیامبر ﷺ را تسلی دهد، هم حقیقتی را برای آن بزرگوار و برای مسلمانان روشن کند؛ لذا فرمود: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ»^{۱۵}؛ ما به تو کوثر بخشیدیم؛ آن حقیقت عظیم و کثیر و فزاینده.

مصدق کوثر برای نبی اکرم ﷺ، چیزهای گوناگون است. یکی از برجسته‌ترین مصادیق کوثر، وجود مقدس فاطمه‌ی زهراست که خداوند متعال در این وجود مبارک، دنباله‌ی معنوی و مادّی پیامبر ﷺ را قرار داد.^{۱۶}



۲۰

ملاک فاطمه زهرا علیها السلام برای انتخاب همسر

... فاطمه‌ی زهرا علیها السلام از بین آن همه خواستگار، این جوان پاک‌باخته‌ی همه چیز در راه خدا داده را انتخاب کرد که دائم در میدان‌های جنگ بود. شوخی که نیست! دختر رهبر با عظمت اسلام و حاکم مقتدر زمان است؛ این همه خواستگار دارد؛ در بین این خواستگاران، پولدار هست، شخصیت‌دار هم هست. اما خدا از بین این همه، علی علیه السلام را برای فاطمه علیها السلام انتخاب کرده بود و فاطمه علیها السلام هم به انتخاب الهی راضی و از آن خشنود بود.^{۱۷}

۱۵. الکوثر، آیه ۱.

۱۶. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۰۷/۰۹

۱۷. بیانات در دیدار مداحان به مناسبت ولادت حضرت زهرا علیها السلام ۱۳۷۳/۰۹/۰۳

شوهر داری و تربیت فرزند

زندگی فاطمه‌ی زهرا علیها السلام از همه‌ی ابعاد، زندگی‌ای همراه با کار و تلاش و تکامل و تعالی روحی یک انسان است. شوهر جوان او دائماً در جبهه و میدانهای جنگ است؛ اما در عین مشکلات محیط و زندگی، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام مثل کانونی برای مراجعات مردم و مسلمانان است. او دختر کارگشای پیغمبر صلی الله علیه و آله است و در این شرایط، زندگی را با کمال سرافرازی به پیش می‌برد: فرزندان تربیت می‌کند مثل حسن و حسین و زینب علیها السلام؛ شوهری را نگهداری می‌کند مثل علی علیه السلام و رضایت پدری را جلب می‌کند مثل پیغمبر صلی الله علیه و آله! راه فتوحات و غنایم که باز می‌شود، دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله ذره‌ای از لذت‌های دنیا و تشریفات و تجملات و چیزهایی را که دل دختران جوان و زنها متوجه آنهاست، به خود راه نمی‌دهد.^{۱۸}

۲۱



کمک به مستمند

پیغمبر صلی الله علیه و آله پیرمرد مستمندی را به در خانه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام فرستاد که «برو حاجتت را از آنها بخواه»، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام تخته‌ی پوستی را که حسن و حسین علیهم السلام روی آن می‌خوابیدند و به

۱۸. بیانات در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت

زهرا علیها السلام و «روز زن» ۱۳۷۱/۰۹/۲۵

عنوان زیرانداز فرزندان خود در خانه داشت و چیزی جز آن نداشت، به سائل داد و گفت «ببر بفروش و از پول آن استفاده کن!»^{۱۹}



مظهر واقعی زن مسلمان

اسلام به معنای واقعی زن را تکریم کرده است. اگر روی نقش مادر و حرمت مادر در درون خانواده تکیه می‌کند، یا روی نقش زن و تأثیر زن و حقوق زن و وظایف و محدودیت‌های زن در داخل خانواده تکیه می‌کند، به هیچ‌وجه به معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و دخالت در مبارزات و فعالیت‌های عمومی مردم منع کند. عده‌یی بد و یا کج فهمیدند؛ یک عده مغرض هم از این کج‌فهمی استفاده کردند؛ کآنه یا باید زن، مادر خوب و همسر خوبی باشد یا باید در تلاش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی شرکت کند؛ قضیه این‌طوری نیست؛ هم باید مادر خوب و همسر خوبی باشد، هم در فعالیت اجتماعی شرکت کند. فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) مظهر چنین جمعی است؛ جمع بین شؤن مختلف، زینب کبری (علیها السلام) نمونه‌ی دیگر است. زن‌های معروف صدر اسلام و زن‌های برجسته، نمونه‌های دیگرند؛ اینها در جامعه بودند و حضور داشتند.^{۲۰}

۱۹. بیانات در دیدار گروهی از زنان، به مناسبت فرخنده میلاد حضرت

زهرا (علیها السلام) و «روز زن» ۱۳۷۱/۰۹/۲۵

۲۰. بیانات در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) ۱۳۸۴/۰۵/۰۵

فاطمه زهرا (علیها السلام) در اوج قله ی بشریت

فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) در قله‌ی بشریت قرار دارد و کسی از او بالاتر نیست و می‌بینیم که آن بزرگوار به‌عنوان یک بانوی مسلمان، این فرصت و قدرت را یافت که خودش را به این اوج برساند. پس، فرقی بین زن و مرد نیست و بخصوص شاید از همین جهت هم است که خدای متعال در قرآن کریم، آن وقتی که راجع به نمونه‌ی انسان‌های خوب و نمونه‌ی انسان‌های بد مثال می‌زند، مثال را در هر دو مورد از زن انتخاب می‌کند. یک مورد زن فرعون و در مورد دیگر، همسر نوح و لوط را مثال می‌زند: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ»^{۲۱}. در مقابل هم در مورد انسان بد و نگونسار و کج‌رفتار و انسانی که در جهت غلط حرکت می‌کند، به زن نوح و لوط مثال می‌زند...

۲۳

... امیدوارم که ان‌شاءالله خداوند به شما توفیق بدهد و همچنان که گفتید، فاطمه‌ی زهرا (علیها السلام) را الگوی خودتان بدانید و قرار بدهید^{۲۲}



۲۱. تحریم، ۱۱.

۲۲. سخنرانی در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور ۱۳۶۸/۱۰/۲۶

فاطمه زهرا (علیها السلام) عامل ماندگاری و بقای مکتب

برخلاف تصوّر دشمنان ملامتگر، این دختر بابرکت و این وجود ذی‌جود، آن‌چنان مایه‌ی بقای نام و یاد و مکتب و معارف پیامبر (علیه السلام) شد که از هیچ فرزند برجسته و باعظمتی، چنین چیزی مشاهده نشده است. اولاً از نسل او یازده امام و یازده خورشید فروزان، معارف اسلامی را بر دل‌های آحاد بشر تابانیدند؛ اسلام را زنده کردند، قرآن را تبیین کردند، معارف را گسترانیدند، تحریف‌ها را از دامن اسلام زدودند و راه سوء استفاده‌ها را بستند. یکی از این یازده امام، حسین بن علی (علیه السلام) است که پیامبر (علیه السلام) طبق روایت فرمود: «انا من حسین»^{۲۳} و «حسین سفينة النجاة و مصباح الهدی»^{۲۴}. با آن همه آثار و برکاتی که در آن شخصیت، در آن شهادت و بر آن قیام در تاریخ اسلام مترتب شده است، او یکی از ذراره‌های فاطمه‌ی زهراست. یکی از این خورشیدهای فروزان، امام باقر (علیه السلام)، و یکی دیگر امام صادق (علیه السلام) است که معارف اسلامی،

۲۳. کامل الزیارات، ص ۵۳.

۲۴. در بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۰۵، تعبیر بدین‌گونه است: «انّ الحسین بن علی فی السماء أكبر منه فی الارض، و أنّه لمکتوب عن یمن عرش الله: مصباح هدی و سفینة النجاة»

مرهون زحمات آنهاست. نه فقط معارف شیعی که ائمه‌ی معروف اهل سنت، یا بی‌واسطه، یا باواسطه، بهره‌مندان از فیض دانش آنها هستند. این کوثر فزاینده‌ی روزبه‌روز درخشنده‌تر، نسل عظیم پیامبر ﷺ را در تمام اقطار اسلامی پراکند و امروز هزاران، بلکه هزاران هزار خاندانهای مشخص شناخته شده در همه‌ی دنیای اسلام، نمودار بقای نسل جسمانی آن بزرگوارند؛ همچنان که هزاران مشعل هدایت در دنیا نمودار بقای معنوی آن مکتب و آن وجود مقدّسند. این کوثر، فاطمه‌ی زهراست. سلام خدا بر او، درود همه‌ی انبیاء و اولیاء و فرشتگان و آفریدگان پروردگار بر او تا روز قیامت.^{۲۵}

۲۵



عزیز بودن فاطمه زهرا (ع) در طول تاریخ

عظمت فاطمه‌ی زهرا (ع) در سیره‌ی آن بزرگوار آشکار است. یک مسأله این است که ما چه شناختی از فاطمه زهرا (ع) داریم؟ این یک حرف است. بالاخره دوستان اهل بیت (ع)، در طول زمان، تا آن‌جا که توانستند سعی کردند به حقّ دختر

پیغمبر، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام معرفت پیدا کنند. چنین هم نیست که کسی خیال کند همان‌طور که در زمان ما، این بزرگوار این‌قدر در دلها عزیز و در چشمها شیرین است، همیشه همین‌طور بوده است.^{۲۶}

عبور مظلومیت فاطمه زهرا علیها السلام از حصارهای کتمان
سنت لایتغیر الهی نگذاشت که زهرا علیها السلام مرضیه علیها السلام در پشت حجاب غلیظ اوهام پنهان بماند، و آن ستاره‌ی درخشان خونین، در گذشت زمان به خورشیدی تابان بدل شد. و امروز نام او و یاد مظلومیت او از همه‌ی حصارهای کتمان، عبور کرده است، و به اعماق دلها و جانها رسیده است. و این درخشندگی و فزاینده‌ی ادامه خواهد داشت:
«إِنَّا أُعْطِينَاكَ الْكَوْثَرَ»^{۲۷} ...^{۲۸}

۲۶



۲۶. بیانات در دیدار مداحان به مناسبت ولادت حضرت زهرا علیها السلام ۱۳۷۳/۰۹/۰۳

۲۷. الكوثر، آیه ۱.

۲۸. سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از ذاکران و مداحان اهل بیت در خجسته سالروز ولادت صدیقه کبری حضرت زهرا علیها السلام ۲۸/۱۰/۱۳۶۸.

وجود ظرفیت اندیشیدن در مقام فاطمه زهرا علیها السلام

مقام فاطمه‌ی زهرا علیها السلام در خور آن است که عقول برجسته‌ی انسان‌های بزرگ، در اصلی‌ترین رشته‌های تفکرشان بیندیشند و زبان‌های فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین گویندگان و شعرا و سرایندگان، آن اندیشه‌ها را در قالب کلمات بیاورند و سرشارترین ذوق‌ها و جوشان‌ترین طبع‌های فیاض و سیال هنرمندان و شاعران، آنها را به صورت شعر و سخن منظوم، با بهترین گویش‌ها و حنجره‌ها بیان کنند. اگر این طور بشود، شاید ذهن بشر متوسط امروز و ما که از معارف حقیقی الهی دوریم و کشش نداریم که در ذهن و دل و روح‌مان، حقایق والا و متعالی را درک بکنیم، بتوانیم گوشه‌یی از فضایل و مدایح و مناقب و محامد این بزرگوار را بفهمیم و درک کنیم.^{۲۹}



۲۹. پیام به مناسبت بزرگداشت روز شهیدان در دهه‌ی فجر انقلاب اسلامی

خطبة حضرت زهرا عليها السلام



نوشتاری که پیش رو دارید، متن کامل خطبه می‌عزاد، دست‌نویس حضرت
 صدیقہ می‌طاہرہ، فاطمہ زہراؑ در مسجد پیامبر گرامی اسلام ﷺ است
 این خطبه که در کتابهای متعددی از مضامین پذیران اہل بیتؑ و عامہ
 نقل شده، شامل معارف حیانی، احکام، اخلاق و نیز نظام
 حکومتی و تشریح است‌فشان ازدانش آسمانی ولدنی آن حضرت و علو
 مقام آن گرامی دارد. متن این کتاب، از روایت علامہ می‌بزرگوار
 احمد بن علی طبرسی رحمۃ اللہ علیہ و از کتاب الاجتاج انتخاب شد
 و تقدیم جویندگان حقیقت میگرد؛

رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

عبدالله بن حسن - نواده‌ی امام مجتبی علیه السلام - از پدرانش علیهم السلام چنین نقل می‌کند:

أَنَّهُ لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ عَلَى مَنَعِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ

• هنگامی که ابوبکر و عمر هم‌دست شدند تا از دسترسی حضرت فاطمه علیها السلام به فدک

فَدَكًا وَبَلَعَهَا ذَلِكَ لَأَنَّتِ خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا

جلوگیری نمایند، این خیر به آن علیا جناب رسید • ایشان مقنعه بست و چادر را بر

وَاشْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا وَأَقْبَلَتْ فِي لَمَةٍ مِنْ حَقْدِهَا

خویش فرو پیچید و همراه با گروهی از بستگان و زنان قومش - بنی‌هاشم به

وَنِسَاءِ قَوْمِهَا • تَطَأُ ذُيُولَهَا، مَا تَحْرِمُ مَشِيئَتِهَا

سوی مسجد- آمد. • در هنگام راه رفتن - چندان پوشش ایشان بلند بود که- پا بر پایین دامن

مِشْيَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ • حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى

لباس خویش می‌گذاشت و راه رفتن آن جناب مانند راه رفتن پدرش رسول خدا صلی الله علیه و سلم بود • تا این

أَبِي بَكْرٍ وَهُوَ فِي حَشْدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ

که بر ابوبکر که در میان جمع زیادی از مهاجرین و انصار و دیگران حضور داشت،

الْأَنْصَارِ وَغَيْرِهِمْ. فَغِيَطَتْ دُونَهَا مُلَاءَةٌ •

وارد شد. به خاطر آن حضرت پرده‌ای آویختند. •

فَجَلَسَتْ ثُمَّ أَتَتْ أَنَّتَ أَجْهَشَ الْقَوْمَ لَهَا بِالْبُكَاءِ •

و ایشان نشست؛ آنگاه ناله‌ای سر داد که همه‌ی مردم به خاطر او به گریه افتادند. •

فَارْتَجَّ الْمَجْلِسُ ثُمَّ أَمَهَلَتْ هُنَيْئَةً. حَتَّى إِذَا سَكَنَ

و مجلس به خروش درآمد و منقلب شد. سپس حضرت لحظاتی درنگ نمود تا صدای

نَشِيحِ الْقَوْمِ وَهَدَأَتْ قُورُئُهُمْ • افْتَتَحَتِ الْكَلَامَ

گریه‌ی آن جمعیت فرو نشست و از خروش افتادند. • آنگاه سخن را با حمد و

بِحَمْدِ اللَّهِ وَالشَّانِ عَلَيْهِ وَالصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ. فَعَادَ

ثنای خداوند متعال و صلوات بر رسول خدا ﷺ آغاز کرد. - با یادآوری

الْقَوْمِ فِي بُكَائِهِمْ. فَلَمَّا أَمْسَكُوا عَادَتْ

بیامیر خدا ﷺ - مردم دوباره به گریه افتادند و چون ساکت شدند

فِي كَلَامِهَا، فَقَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ ﴿١٠﴾

حضرت فاطمه ﷺ سخن را از سر گرفت و فرمود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ وَ

سپاس و ستایش خداوند را به خاطر نعمت‌هایی که بخشید و او را شکر به خاطر آنچه الهام کرد و

الشَّانِ بِمَا قَدَّمَ، مِنْ عُمُومٍ نَعَسَ ابْتَدَأَهَا وَ سُبُوحِ الْأَعْدَادِ

مدح و ثناء شایسته اوست به خاطر نعمت‌های فراگیری که از پیش فرستاد، نیکی‌های تمام که بی‌سابقه

أَسَدَاهَا وَ تَمَامِ مِثْنِ أَوْلَاهَا ﴿١١﴾ جَمَعَ عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدْدُهَا

ارزانی نمود و احسان‌های کاملی که روا داشت و آن‌ها بیش از آن است که شمارش

وَ نَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدُهَا وَ تَفَاوَتِ عَنِ الْإِذْرَاكِ أَبْدُهَا.

شود و الاثر از آن است که جبران گردد و پایداری اش فراتر از آن است که به اندیشه آید.

وَ نَدَبَهُمْ لِاسْتِزَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا ﴿١٢﴾ وَ اسْتَحَمَدَ

افزودگان را به ستایش فرا خواند تا نعمت را بر آنان بیشتر کند و پایدار سازد ﴿١٢﴾ و با تئیر نعمت فراوان

إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِحْزَالِهَا وَ شَيْئًا بِالتَّدْبِيرِ إِلَى امْتِثَالِهَا ﴿١٣﴾ وَ اشْهَدُ

شکر آنان را خواستار شد و با دعوت دوباره‌ی بندگان به شکر، خواسته است نعمت‌ها را دو چندان نماید ﴿١٣﴾

أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدِّدَ لِهُ لَا شَرِيكَ لَهُ. كَلِمَةٌ جَعَلَ الْإِخْلَاصَ

و گواهی می‌دهم که خدایی جز الله نیست، او یکتاست و شریکی ندارد. ترجمان این سخن و نتیجه‌ی

تَأْوِيلِهَا وَ صَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا وَ أَرَأَيْتَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا ﴿١٤﴾

آن اخلاص است، خداوند این کلمه را با دل‌ها پیوند داده و اندیشه‌ها را به مفهوم آن ترویج ساخته است ﴿١٤﴾

الْمُتَمَعِّعِينَ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيَاهُمْ وَمِنَ الْأَلْسُنِ صَفْوَاهُمْ وَ

دیدگان ناتوان از دیدارش و زبان‌ها عاجز از توصیف او هستند و خیال‌ها چگونگی‌اش را

مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتَهُ. ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ

درک نتواند کرد. همه چیز را آفرید ولی نه از چیزی که پیش از آن وجود داشته باشد و

كَانَ قَبْلَهَا وَأَنْشَأَهَا بِلَا اِحْتِدَاءٍ أَمْثَلَةٌ أَمْتًا ۱۳

آن‌ها را ایجاد کرد بی آن که نمونه‌ای را الگو قرار داده باشد. ۱۳

كُونَهَا بِعُدْرَتِهِ وَذَرَأَهَا بِمَشِيئَتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ

آن‌ها را با قدرت خویش پدید آورد و با خواست خود آفرید بدون این که نیازی به آفریش

إِلَى تَكْوِينِهَا وَلَا قَائِدَةٍ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا إِلَّا تَنْبِيئًا

آنها داشته باشد و سودی از صورت‌بخشی آنها حاصلش گردد. بلکه - آن‌ها را آفرید - تا

بِحِكْمَتِهِ وَتَنْبِيئًا عَلَى طَاعَتِهِ وَإِظْهَارًا لِعُدْرَتِهِ

حکمتش را اثبات کند و بر طاعت خویش توجه دهد و قدرتش را نمایان سازد و موجبات بندگی

وَ تَعْبُدًا لِبَرِّيَّتِهِ وَإِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ ۱۴ ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ

خلقش را فراهم آورد و دعوتش را عزت و ارجحندی بخشید. ۱۴ سپس پاداش

عَلَى طَاعَتِهِ وَوَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ ۱۵ ذِيَادَةً

را بر طاعت خویش و مجازات را بر معصیت خویش قرار داد. ۱۵ تا بندگان

لِعِبَادِهِ مِنْ نَفْسِهِ وَحَيَاةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ. وَأَشْهَدُ

را از خشمش دور سازد و آنان را به سوی بهشت کشاند. و گواهی می‌دهم که

أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. اخْتَارَهُ قَبْلَ أَنْ أُرْسَلَهُ

پدرم محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده‌ی اوست. او را پیش از آن که مبعوث نماید برگزید

وَسَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ وَاصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَسَهُ

و پیش از آن که برگزید او را نام برده و نامگذاری کرد و پیش از آن که او را به رسالت فرستد انتخاب فرمود.

إِذْ أَخْلَقْنَا بِالْعِزِّ مَكْنُونَهُ وَيَسْتُرِ الْأَهَابِيلِ مَصُونَهُ

در آن هنگام خللاق در پردی غیب پوشیده و در پوششی ترسناک محفوظ بودند و به نهایت نیستی وعدم مقرون

و بِنَهَايَةِ الْعَدَمِ وَمَقْرُونَهُ. عَلِمْنَا مِنْ اللَّهِ تَعَالَى بِمَا تَأْتِي الْأُمُورِ

بودند. این بدان جهت است که خداوند به سرانجام امور آگاه بوده و حوادث روزگاران را می‌داند و به

وَإِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ وَمَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْأُمُورِ. ۱۷ اِنْبَعَثَهُ اللَّهُ

جایگاه آنچه شدنی است شناسا است ۱۷ خداوند او را به رسالت فرستاد برای این که فرمان خویش

إِنَّمَا لِلْأَمْرِ وَعَنْ بَيْتِهِ عَلَى إِمْنَاءٍ حُكْمِهِ وَإِنْفَادًا

را تمام کند و اراده فرمود حکمش را به اجرا گذارد و مقدرات حتمی‌اش را جاری سازد.

إِقْتَادِيرِ حُكْمِهِ. فَرَأَى الْأَمْرَ فَرَقَانِي أَدْيَانَهَا عُنُقَانَا

پس - رسول خدا ﷺ - مردم را دید که در عقاید و دینشان پراکنده و پایبند آتش‌های

عَلَى نِيرَانِهَا عَابِدَةٌ لِأَوْثَانِهَا مُنْكَرَةٌ لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا ۱۸

خویش‌اند و بت‌های خود را می‌پرستند و با این که خدا را می‌شناسند انکار می‌ورزند ۱۸

فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ظُلْمَهَا وَكَشَفَتْ

پس خداوند توسط پدرم محمد ﷺ ، تاریکی‌های آنان را روشن ساخت و از دل‌هایشان

عَنِ الْمَلُوبِ بِهَمَّهَا وَجَلَى عَنِ الْأَبْصَارِ عُمَمَهَا ۱۹ وَ

بپیچیدگی‌ها و نادانسته‌ها را برطرف نمود و کدورت و غبار را از بینایی چشم‌ها زدود ۱۹

فَأَمَرَنِي النَّاسَ بِالْهُدَايَةِ فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ وَبَصَرَهُمْ

و برای هدایت مردم در میانشان به پا خاست و آنان را از گمراهی نجات

مِنَ الْعَمَايَةِ وَهَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ وَدَعَاهُمْ

داد و از کوردلی بصیرت بخشید و به دین استوار رهنمون گردید و به

إِلَى الظَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ ۲۰ ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَأْفَةٍ

راه مستقیم دعوت نمود ۲۰ سپس خداوند با مهربانی و با اختیار - پیامبر ﷺ - جان او را گرفت

وَإِخْتِيَارٍ وَرَغْبَةٍ وَإِثَارٍ. فَحَمَدُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ تَعَبٍ

و با اشتیاق و انتخاب - خود آن بزرگوار - او را به سوی خویش برد. اینک محمد ﷺ

هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ قَدْ حُفَّتْ بِالمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ

از رنج و زحمت این سرای در آسایش بسر می‌برد. فرشتگان نیکوکار و خشنودی

و رِضْوَانِ الرَّبِّ الْعَفَّارِ وَ مُجَاوِرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ.

پروردگار آمرزنده آن حضرت را در بر گرفته و همنشین پادشاه فرمانروا است.

صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي، بَدِيئِهِ وَأَمِينِهِ وَخَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ

درود خداوند بر پدرم، پیامبر خدا و امین وحی و برگزیده‌ی او باد:

وَصَفِيئِهِ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

همو که بهترین آفریدگان خدا و پسندیده‌ی اوست. سلام، رحمت و برکات خداوند بر او باد. ۱۰

ثُمَّ انْقَضَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ وَقَالَتْ: أَتَمُّ

سپس آن بانوی بزرگوار ﷺ حاضران را خطاب قرار داده فرمود: شما

عِبَادَ اللَّهِ، نَصَبُ أَمْرِهِ وَتَهْيِيهِ وَحَمَلَةُ دِينِهِ وَ

ای بندگان خدا، مخاطب امر و نهی خداوند و حاملان دین و وحی اوید. شما

وَحْيِهِ وَ أَمَنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَبُلْغَاؤُهُ إِلَى الْأُمَمِ

امینان خداوند بر خویش و رساننده‌ی - دین - او به سوی دیگر امت‌ها هستید. ۱۱

رَعِيمٌ حَقٌّ لَهُ فِيكُمْ وَعَهْدٌ قَدَّمَ إِلَيْكُمْ وَ

پیشوای حقی از سوی خدا در میان شماست و نیز پیمانی که پیشتر از شما گرفته است و نیز پازمانده‌ای

بِعَيْتِي أَسْتَخْلَفُهَا عَلَيْكُمْ؛ كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ

گذاشته که او را بر شما جانشین قرار داده است. او - امام امیرالمؤمنین علی ﷺ - کتاب گویای خدا

وَالْقُرْآنُ الصَّادِقُ وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ الصِّياهُ اللَّامِعُ

و قرآن صادق و نور درخشان و روشنایی پر فروغ است. دیدگاه‌هایش روشن و اسرارش

بَيَّنَتْ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُنْجِلِيَةٌ ظَوَاهِرُهُ،

آشکار و ظواهر و سیمایش شفاف می‌باشد. دیگران بر پیروانش رشک می‌برند.

مُعْتَبَطَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدًا إِلَى الرِّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ،

او پیروان خویش را به بهشت رهبری می‌کند و گوش سپردن به او

مَوْدٍ إِلَى الْحِجَابِ اسْتِمَاعُهُ ﴿١٧﴾ بِهِ نَسَالُ حُجَّجَ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةِ

مایه‌ی نجات است. ﴿١٧﴾ به وجود او می‌توان به حجت‌های نورانی

وَعَرَائِمُهُ الْمَفْسَّرَةُ وَحَارِمُهُ الْمُحَدَّرَةُ وَبَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَةُ

خداوند و واجبات واضح شده و محرمات نهی شده و دلایل روشن

وَبَرَاهِينُهُ الْكَافِيَةُ وَفَضَائِلُهُ الْمَسْدُوبَةُ وَ

و براهین کافی و فضیلت‌های مستحب و رخصت‌های مباح و

رُحَصُهُ الْمَوْهُوبَةُ وَسَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ ﴿١٨﴾ جَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ

آیین‌های واجب پروردگار دست یافت. ﴿١٨﴾ خداوند ایمان

تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشَّرِّ وَالصَّلَاةَ نَزِيهًا لَكُمْ

را برای پاک‌ی شما از شرک و نماز را برای دوری‌تان از تکبر و خودپرستی و

عَنِ الْكِبْرِ وَالزَّكَاةَ نَزِيهًا لِلنَّفْسِ وَنِعْمَاءًا فِي

زکات را موجب پاکیزگی جاننان ساخت و فزونی روزی‌تان

الرِّزْقِ ﴿١٩﴾ وَالصِّيَامَ نَثِيثًا لِلْإِخْلَاصِ وَالْحَجَّ تَشْيِيدًا

را در آن قرار داد. ﴿١٩﴾ روزه را برای پایداری در اخلاص و حج را

لِلدِّينِ وَالْعَدْلَ نَثِيثًا لِلْعُلُوبِ ﴿٢٠﴾ وَطَاعِنَا نِظَامًا

برای استواری در دین و عدل را برای یکپارچگی دل‌ها ﴿٢٠﴾ و پیروی ما - اهل بیت - را برای

لِلْمِلَّةِ وَإِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفِرْقَةِ ﴿٢١﴾ وَالْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ

همبستگی در امت و امامت و پیشوایی ما - اهل بیت - را به خاطر ایمنی از تفرقه واجب ساخت. ﴿٢١﴾ جهاد را

وَالصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ

موجب عزت اسلام و ذلت و خواری کفار و منافقان و صبر را مایهی استحقاق پاداش و

مَصْلَحَةَ لِلْعَامَّةِ وَبِرَّ الْوَالِدَيْنِ وَقَايَةَ مِنَ السُّخْطِ وَ

امر به معروف را به خاطر مصلحت عموم و نیکی به پدر و مادر را به جهت حفظ از

صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَسْأَةً فِي الْعُمُرِ وَمَنَامَةً لِلْعَدَدِ ﴿٧٧﴾

خشم خود بنیان نهاد. صلهی ارحام را مایهی طول عمر و فزوننی نفقات: ﴿٧٧﴾

وَالْقِصَاصَ حَقَّنَا لِلدِّمَاءِ وَالْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِضًا

و قصاص را مایهی حفظ خونها و وفای به نذر را موجب آمرزش و امر به پیمانهی

لِلْمَغْفِرَةِ وَتَوْفِيَةَ الْمَكَايِلِ وَالْمَوَازِينَ تَغْيِيرًا

پُر و وزن کامل را - در معاملات - به خاطر پیشگیری از کمفروشی و نهی از

لِلْبَخْسِ وَالنَّهْيَ عَنِ شَرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهًا عَنِ الرَّجْسِ

شراب خواری را برای کناره گرفتن از پلیدی حکم نمود. و خودداری از نهمت و

وَاجْتِنَابَ الْمَذْفُونِ جَاءَ بِعَنِ اللَّعْنَةِ وَتَرَكَ السَّرِقَةَ

نسبت های ناروا را برای ایمن ماندن از لعنت شدن و ترک دزدی را موجب عفت

إِجَابًا لِلْعِقَةِ وَحَرَمَ اللَّهُ الشِّرْكَ إِخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ ﴿٧٨﴾

قرار داد. خداوند شرک را حرام کرد تا عقاید نسبت به پروردگاری اش خالص گردد. ﴿٧٨﴾

وَتِ «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُوا إِلَّا وَأَنْتُمْ

پس (ای مردم) از خدا آن گونه که شایسته است بترسید و تا پای مرگ

مُسْلِمُونَ» وَأَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَنَهَاكُمْ

مسلمان بمانید. خدا را در آنچه به شما فرمان داده و نهی نموده است

عَنْهُ، فَإِنَّهُ «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» ﴿٧٩﴾

اطاعت کنید؛ چه آن که از میان بندگان خدا فقط دانشمندان از او بیمناکند. ﴿٧٩﴾

تُمْ قَالَتْ ﷺ، أَيُّهَا النَّاسُ! ااعلموا أَنِي فَاطِمَةُ وَأَبِي

سپس فاطمه علیها السلام فرمود: ای مردم! بدانید که من فاطمه‌ام و پدرم

مُحَمَّدٌ ﷺ. أَقُولُ عَوْدًا وَبَدًّا وَلَا أَقُولُ مَا أَقُولُ عَمَلًا

محمد علیها السلام است. این را تکرار می‌کنم و نخست هم گفته‌ام و آنچه می‌گویم نادرست

وَلَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ سَطَطًا. ﴿لَقَدْ جَاءَكَ رَسُولٌ

نیست و آنچه می‌کنم به ناحق انجام نمی‌دهم. و به تحقیق رسولی به نزدتان آمد که از خود

مِنَ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ

شماست. رنج و سختی‌های شما بر او بسیار ناگوار می‌آید و نسبت به مؤمنان

بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۲۵﴾ فَإِنْ تَعَرَّوْهُ وَتَعَرَّفَوْهُ

رنوف و مهربان است. ﴿۲۵﴾ اگر نَسَب او را جويا شده و او را

بَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَابِكُمْ وَأَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ

بشناسید می‌بینید که او پدر من است نه پدر زنان شما و برادر پسرعموی من است

رِجَالِكُمْ. وَلِنِعْمِ الْمُعَرَّبِيُّ إِلَيْهِ ﷺ قَبْلَ الْرِسَالَةِ

نه برادر مردان شما و چه خوب انتسابی است انتساب به او! او رسالت را در حالی

صَادِقًا بِالْبِنْدَارَةِ، مَا إِلَّا عَنْ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ ﴿۲۶﴾

ابلاغ فرمود که مردم را آشکارا بیم می‌داد و از آیین مشرکان روی گردان بود. ﴿۲۶﴾

صَارِبًا بِنَجْهِهِمْ، أَخِذًا بِأَكْظَامِهِمْ، دَاعِيًا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ

بر کمرهاشان ضربه می‌زد و حلقومشان را می‌شرد و با حکمت و اندرز نیکو مردم

بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ. يَكْسُرُ الْأَضْنَامَ وَ

را به راه پروردگارش دعوت می‌نمود. بت‌ها را شکست و بر سر بزرگان - کفر -

يَنْكُثُ الْأَمَامَ حَتَّىٰ انْتَهَىٰ الْجَمْعُ وَوَلَّوْا الدُّبُرَ ﴿۲۷﴾ حَتَّىٰ

کوبید تا آن که جمع آنان شکست خورده گریختند. ﴿۲۷﴾ تا این که

تَقَرَّرَى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ وَأَسْفَرَا حُجُّ عَنْ مَحْضِهِ وَ

از میان شب، چهره‌ی صبح اشکار و حق پیدا و نمایان شد و پیشوای

نَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ وَحَرَسَتْ شَقَاشِقُ الشَّيَاطِينِ وَطَاحَ

دین لب به سخن گشود و هیاهو و باوه‌گویی شیاطین خاموش گشت و

وَسَيَّطُ النِّقَاقِ وَأَحْلَكَ عَقْدُ الْكُفْرِ وَالشَّقَاقِ ﴿١٦٦﴾ وَ

فرمایگان منافق میدان تهی کرده و پیمان‌های کفر و تفرقه از هم گسست.

فُهُمُ بِكَلِمَةِ الْإِحْلَاصِ فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ الْيَخَاصِ ﴿١٦٧﴾

آنگاه شما همراه با گروهی روزه‌دار و سیدرو زبان به اخلاص و توحید گشودید.

«وَكُنْتُمْ عَلَيَّ شَفَاخًا فَرَقْتُمْ مِنَ النَّارِ» مَدَقَّةَ الشَّارِبِ

این در حالی بود که شما (پیش از آن) بر لبه‌ی پرتگاه جهنم بودید. جرعه‌ای برای

و نُهْزَةَ الظَّامِعِ وَقَبْسَةَ الْعَجْلَانِ وَمَوْطِئِ الْأَوْتَادِ

نوشندگان و طعمه‌ای برای خوردگان و پاره آتشی برای شتابزدهگان و پایه‌های شده‌ی قدم‌ها

لَشَرُونَ الظَّرْقَ وَتَقَاتُونَ الْقِدَّ؛ أَذِلَّةٌ خَاسِئِينَ.

به شمار می‌آمدید. آب‌های گندیده و آلوده را می‌نوشیدید و خوراکی‌تان پوست شتران بود.

«تَخَافُونَ أَنْ يَخْطِفَكُمْ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ» ﴿١٦٨﴾

مردمانی خوار و ذلیل و مطرود بودید و می‌ترسیدید که دیگر مردم شما را به بردگی اسیر کنند.

فَأَنْفَدَكُمْ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِحُكْمِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

اما خداوند شما را توسط پدرم محمد ﷺ پس از آن وضعیّت رقت‌بار و پس از آن

بَعْدَ اللَّتْيَا وَاللَّتِي وَبَعْدَ أَنْ مَنِيَ بِهِمُ الرِّجَالُ وَ

همه خواری نجات بخشید بعد از آن که آن حضرت مبتلا به آزار شجاعان

دُؤْبَانَ الْعَرَبِ وَمَرَدَّةَ أَهْلِ الْكِتَابِ ﴿١٦٩﴾ كَلَّمَا

نادان و حمله‌ی گرگ‌های عرب و سرکشان اهل کتاب شد. هر بار که آتش جنگ

أَوْ قَدْ وَانَارَ لِلْحَرْبِ أَظْفَاها اللهُ، أَوْ نَجَّوْهُ مِنَ الشَّيْطَانِ

را برافروختند خداوند آن را خاموش ساخت. هر زمان که شاخ شیطان پدیدار می‌گشت یا

أَوْ فَعَرَّتْ فَأَغْرَهُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَدَفَ أَخَاهُ فِي

دهان - یاوه‌گویی - از سوی مشرکین باز می‌شد، برادرش - علی - را در کام‌شان می‌افکند و

لَهُوَ أَيْهَا فَلَا يَنْكَفِي حَتَّى يَطَّأ جَنَاحَهَا بِأُخْمِصِهِ وَ

او باز نمی‌گشت مگر این که آن‌ها را لگدکوب کرده و زیر پا می‌گرفت و شراره‌ی

يُجِدُّ لَهَا بِسَيْفِهِ ﴿١٧﴾ مَكَدُودًا فِي ذَاتِ اللهِ،

آتش‌شان را با شمشیر خود خاموش می‌ساخت ﴿١٧﴾ او - علی - به خاطر خداوند بسیار رنج

مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِ اللهِ، قَرِيبًا مِنْ رَسُولِ اللهِ، سَيِّدًا

می‌دید و برای فرمان او بسیار می‌کوشید. نزدیک به رسول خدا ﷺ و سرور اولیاء خدا بود.

فِي أَوْلِيَاءِ اللهِ، مُسْرِمًا، نَاصِحًا، مُجِدِّدًا، كَادِحًا،

پرتلاش و خیرخواه بود، سخت می‌کوشید و زحمت بسیاری می‌کشید و در راه خدا

لَا تَأْخُذُهُ فِي اللهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ. وَأَنْتُمْ فِي رِفَاهِيَّةٍ

سرزنش ملامت‌گران در او اثر نداشت. در حالی که شما با آسایش زندگی می‌کردید.

مِنَ الْعَبَسِ وَادْعُونَ فَاصْهُوْا آمِنُونَ ﴿١٨﴾ نَزَّ بَصُوتٌ

ساخت و آرام، خوش‌گذران و در امان بودید. ﴿١٨﴾ منتظر بودید تا روزگار علیه

بِنَا الدَّوَابِّ وَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ وَنَزَّ كُصُوفٌ عِنْدَ

ما بگردد. گوش به زنگ خیرها بودید - تا خبر رحلت پیامبر ﷺ را بشنوید - . همواره در

النِّزَالِ وَتَفْرُونَ مِنَ الْقِتَالِ ﴿١٩﴾ فَلَمَّا اخْتَارَ اللهُ لِنَبِيِّهِ

بحران‌ها می‌نشینید و در جنگ می‌گریختید. ﴿١٩﴾ هنگامی که خداوند برای پیامبرش

دَارَ أُنْبِيَاءِهِ وَ مَاوَى أَصْفِيَاءِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةٌ

سرای انبیا و جایگاه برگزیدگانش را اختیار کرد، در میان شما خارهای نفاق پدیدار

الْبِقَاقِ وَ سَمَلِ جِلْبَابِ الدِّينِ وَ نَطَقَ كَاطِمُ

گشت و لباس دین - و معنویت در نزدتان - کهنه شد، گمراهان خاموش، سخن گفتند و

الْعَاوِينَ وَ نَبَعَ حَامِلُ الْأَقْلِينَ وَ هَدَرَ قَبِيْقُ

فرومایگان ناچیز و گمنام سر برآورده و سرکردگان باطل به

الْمُبْطِلِينَ ﴿٤٤﴾ فَخَطَرَنِي عَرَصَاتِكُمْ وَأَطَعَ الشَّيْطَانُ

خروش آمدند ﴿٤٤﴾ و در حضور و جمع شما دم جنبانیدند. و شیطان سر از

رَأْسِهِ مِنْ مَعْرَازِهِ، هَاتِفًا لَكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ

مخفیگاه بیرون آورد و شما را صدا زد و دریافت دعوتش را

مُسْتَجِيبِينَ وَ لِلْغَزَاةِ فِيهِ مَا لِحِظِينَ ﴿٤٥﴾ ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ

اجابت می کنید و فریضش را می پذیرید. ﴿٤٥﴾ شما را برانگیخت و سبک رفتارتان

فَوَجَدَكُمْ خِفَاءً وَ أَحْسَمَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غِضَابًا.

یافت و برافروختن و مشاهده کرد که زود به خشم می آید. آنگاه شما شتران دیگران را مالک

فَوَسَّمْتُمْ غَيْرَ إِيْلِكُمْ وَ وَرَدْتُمْ غَيْرَ مَشْرِئِكُمْ.

شدید و به نام خودتان داغ زدید و به ابشخور دیگران فرود آمدید. با اینکه هنوز زمان زیادی

هَذَا وَ الْعَهْدُ قَرِيبٌ وَ الْكَلْمُ رَحِيبٌ ﴿٤٦﴾ وَ الْجُرْحُ

ازعهد - پیامبر ﷺ نگذشته و زخمها (ی ما در مصیبت آن حضرت) هنوز تازه بود. ﴿٤٦﴾ و جراحتها

لَمَّا يَتَدَمَّلُ وَ الرَّسُولُ لَمَّا يُقْتَبَرُ ابْتِدَارًا رَعَمْتُمْ

التیام نیافته و رسول خدا ﷺ هنوز دفن نشده بود. شما شتابان چنین کرده

خَوْفَ الْفِتْنَةِ، «الْأَفِ الْفِتْنَةَ سَقَطُوا وَإِنْ جَهَّمْ

گمان نمودید - اگر نکنید - بیم فتنه می رود! آگاه باشید که به فتنه افتادند و

لِنَحِيظَةٍ بِالْكَافِرِينَ» ﴿٤٧﴾ فَهَيَّاهُ مِنْكُمْ وَ

جهنم در بر گیرنده ی کافران است. ﴿٤٧﴾ چه بگوید بود از شما!

كَيْفَ بَكُمُ؟! وَ «أَن تُوَفَّكَوتَ»^{۱۱۱} وَ كِتَابِ اللَّهِ

شما را چه شده است؟ «چرا بیراهه می‌روید؟»^{۱۱۱} در حالی که کتاب خدا

بَيْنَ أَظْهَرِكُمْ؛ أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ وَأَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ

پیش روی شماست؛ امورش آشکار و احکامش روشن و نشانه‌ها و راهنمای هایش

وَأَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ وَ زَوَاجِرُهُ لَاحِظَةٌ وَأَمْرُهُ وَاضِحَةٌ

نمایان و نواهایش معلوم و اوامرش واضح است، شما

وَقَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ. أَرْتَبِعْتَهُ عَنْهُ تَرْيِدُونَ

آن را وانهاید. آیا می‌خواهید از آن روی بگردانید و

أَمْ بَعِيرُهُ تَحْكُمُونَ؟! «بِسِّ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا»!

به غیر آن حکم کنید؟ «این چه جایگزینی بدی است برای ستمکاران!»

«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ

» و هر که جز اسلام آیینی برای خود برگزیند از او پذیرفته نخواهد شد

فِي الْآخِرَةِ وَمِنَ الْخَاسِرِينَ»^{۱۱۲} ثُمَّ لَمْ تَلْبَسُوا إِلَّا بَرْت

و در آخرت از زیانکاران است»^{۱۱۲} سپس شما آنقدر درنگ نکردید

أَنْ تَسْكُنَ نَفْرَتَهَا وَبَسَلَسَ قِيَادَهَا^{۱۱۳} ثُمَّ

تا شتر فتنه از جنبش فرو ایستد و افسار کردنش آسان شود.

أَخَذْتُمْ نُورُونَ وَقَدْتَهَا وَتَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا وَتَسْتَجِيبُونَ

^{۱۱۴} بلافاصله _ آتش فتنه را برافروختید و شعله‌هایش را برانگیختید و ندای شیطان

لَهُتَاوَا السَّيْطَانَ الْعَوِيَّ وَإِطْعَاءِ أُنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ

گمراه را لیبیک گفته و به خاموش ساختن نورهای تابناک دین و نابود ساختن سنت‌های

وَإِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّغِيِّ. نُسِرُونَ حَسَوًا

پیامبر برگزیده پرداختید؛ شما آرام آرام به بهانه‌ی کف روی شیر، خود شیر را می‌نوشید

فِي رِزْقَانَا وَتَمْسُونَ لِأَهْلِيهِ وَوُلْدِهِ فِي الْحَمْرِ وَالصَّرَاءِ ۱۹

و پنهان و آشکار علیه خانواده و فرزندان رسول خدا ﷺ اقدام کرده و دست به توطئه

و تَصْبِيرٌ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزْرِ الْمَدَى وَ حَزْرِ السِّنَانِ

و فریب می‌زنید. ما شکیبایی می‌ورزیم همچون کسی که بر زخم جافو و فرو رفتن نیزه

فِي الْحَسَا ۲۷ وَأَنْتُمْ أَلَانَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِزْتِ لَنَا؟

در شکم شکیبایی کن! اکنون می‌پندارید که ما ارشی نداریم،

«أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةُ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ

آیا شما حکم دوران جاهلیت را دنبال می‌کنید؛ در حالی که برای اهل یقین چه

مِنْ اللَّهِ حُكْمًا الْقَوْمُ بِوَقْفُونَ ۱۱ أَفَلَا تَسْلَوْنَ ۱۹

کسی بهتر از خدا حکم می‌کند؟ آیا نمی‌دانید؟ چرا! برایاننا همچون

بَلَى قَدْ جَلَى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ أَنْ يَبْدُوهُ ﷺ ۲۸

خورشید فروزان روشن است که من دختر او (پیامبر ﷺ) هستم ۲۸

أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ! أَأَغْلَبَ عَلَى رُؤْيِي ۱۹ يَا بَنِي آدَمَ إِخْوَانَهُ!

ای مسلمانان! آیا (تصاف است که) من در گرفتن ارثم شکست بخورم؟ ای پسر ابوقحافه! آیا در کتاب

أَفِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرَيْتَ أَبَاكَ وَلَا آرَيْتَ آدَمَ ۱۱ لَقَدْ

خدا چنین آمده که تو از پدرت ارثم بیری و من از پدرم ارثم نبرم؟ ۱۱ همانا بر خدا

جِئْتَ شَيْئًا قَرِيبًا ۱۲ أَفَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ

و رسولش دروغ می‌بندی. آیا از روی آگاهی و عمد کتاب خدا را ترک

و نَبَذْتُمْوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ ۱۳ إِذْ يَقُولُ: «وَوَرِثَ

نموده و آن را پشت سرتان انداخته‌اید ۱۳ که می‌فرماید « سلیمان از داود ارثم

سَلِيمَانَ دَاوُدَ ۱۳. وَقَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ حَبْرِ

برد. و در آنجا که از قصه یحیی بن زکریا خیر می‌دهد،

نَحْيِي بِن زَكَرِيَّا، إِذْ يَقُولُ، «فَهَبْ لِي مِنْ

می‌فرماید: «_ خداوندا _ از جانب خود ولی و جانشینی به من عطا کن

لَدُنْكَ وَلِيًّا بِرُشِي وَبَرِّتْ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» وَقَالَ

تا از من و از خاندان یعقوب ارث ببرد . و فرمود :

«وَأُولَئِكَ الْأَنْحَامُ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي

در کتاب خداوند برخی از خویشاوندان نسبت به برخی دیگر

كِتَابِ اللَّهِ» ﴿٥٠﴾ وَقَالَ: «بُوصِيكُمْ بِاللَّهِ فِي

سزاوارترند» ﴿٥٠﴾ و فرمود: «خداوند شما را سفارش می‌کند که در میان

أَوْلَادِكُمْ لِلَّذِي كَرِهْتُمْ لِذَكَرِ الْمَثَلِ الْأَنْثَبِينَ»

فرزندانان سهم پسر دو برابر سهم دختر باشد . و فرمود: «اگر مالی از خود به جای

وَقَالَ: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدِ وَالذَّيْفِ

گذاشت باید نسبت به پدر و مادر و نزدیکان خود آنگونه که معروف است و نیکوست

الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمَتَّقِينَ» ﴿٥١﴾ وَزَعَمْتُمْ

وصیت کند و این حکمی است برای پرهیزکاران . و شما پنداشتید من هیچ نصیبی نداشته

أَنْ لَا حُظُوتَ لِي وَلَا آرِثٌ مِنْ أَبِي وَلَا رَحِمَةٌ بَيْنَنَا» ﴿٥٢﴾

و از پدرم ارث نمی‌برم و میان ما رابطه‌ی خویشاوندی وجود ندارد! ﴿٥٢﴾

أَخَصَّكُمْ اللَّهُ بِآيَةٍ أَخْرَجَ مِنْهَا آبِي؟ أَمْ هَلْ تَقُولُونَ

آیا خداوند آیه‌ای (از قرآن) را به شما اختصاص داده و پدرم (محمد ﷺ) را از آن خارج

إِنَّ أَهْلَ مِلَّتَيْنِ لَا يَنْتَوَرَانِ؟ أَوَلَسْتُ أَنَا وَآبِي مِنْ أَهْلِ

ساخته است؟ یا این که - در مورد من و پدرم - می‌گویید: اهل دو دین مختلف، از یکدیگر

مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟ أَمْ أَنْتُمْ أَعْلَمُ بِخُصُوصِ الْمُرَّانِ وَ

ارث نمی‌برند. آیا من و پدرم بر یک دین نیستیم؟ یا این که شما نسبت به مفاهیم خاص و

عَمُومِهِ مِنْ آيَةِ وَابْنِ عَتِيٍّ ۱۱ ﴿۵۷﴾ فَادْوَنَكَهَا مَخْطُومَةً

عام قرآن از پدرم و پسرعموم آگاه تریدی؟ ﴿۵۷﴾ پس - حال که چنین است این خلافت و فدک -

مَرْحُومَةً! نَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ. فَنِعْمَ الْحَكْمُ اللَّهُ!

چون شتری افسار بسته و بارگرفته از زلفی تو باد؛ تو را در روز محشر ملاقات خواهد کرد و خداوند خوب

وَالرَّعِيمُ مُحَمَّدٌ! وَالْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ! وَعِنْدَ السَّاعَةِ

حکم کندهای است و محمد ﷺ خوب پیشوا و سرپرستی و قیامت خوب وعده گاهی است و در روز

يُحْسِرُ الْمُبْطِلُونَ. وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَسْتَدْمُونَ ﴿۵۸﴾ «و

رستخیز باطل پیشگان زانکارند و آنگاه هر چه فریاد ندامت بکشید سودی به حال آنان ندارد ﴿۵۸﴾ و

لِكُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ ۱۸ «وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ مَنْ

برای هر خبری جایگاهی است. « و خواهید دانست که بر چه کسی عذاب

يَأْتِيهِ عَذَابٌ حَشْرِيهِ وَيَجِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقَبَّرٌ ۱۹ ﴿۵۹﴾

خوراکننده فرود خواهد آمد و عذاب پایدار او را فرا خواهد گرفت ﴿۵۹﴾

ثُمَّ رَمَتْ ظِلْيَكُمْ بِطَرْفِهَا حُجُورَ الْأَنْصَارِ فَقَالَتْ:

سپس حضرت فاطمه ؑ رو به انصار نموده به آنان فرمود: ای بزرگان صاحب نفوذ و ای

يَا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ وَأَعْضَادَ الْمِلَّةِ وَحَضْرَةَ الْإِسْلَامِ ﴿۶۰﴾

بازوان دین و پناهگاهان اسلام ﴿۶۰﴾ این چشم پوشی در برابر حق من و این خواب آلودگی

مَا هَدَيْهِ الْعَمِيرَةُ فِي حَقِّي وَالسَّنَةُ عَنْ ظِلَامَتِي ۱۲!

در برابر دادخواهی من چیست؟ آیا پدرم رسول خدا ﷺ نمی فرمود: احترام هر شخصی را

أَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ لِي: أَلَيْسَ بِحَقِّي أَنْ يَكُونَ الْمَرْءُ بِحِفْظِ

باید در مورد فرزندانش نیز به جای آورد؟ ﴿۶۱﴾ چه زود - امور را - دگرگون کردید و چه با شباب تغییر

فِي وُلْدِهِ ۱۳! ﴿۶۱﴾ سَرَّعَانَ مَا أَحَدَشْتُمْ! وَعَجَلَانَ ذَا إِمَّالَةَ!

نمودید و پلبیدی باطن هایتان را در کسوت یکی ها عرضه داشتید! این در حالی است که شما می توانید خواستعلم

وَلَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوَلْتُمْ وَفُورَةٌ عَلَىٰ مَا أَطْلَبْتُمْ وَأَنْزِلُ ﴿٥٨﴾

را برآورده سازید و قدرت دارید بر این که آنچه را جویا هستم و در نظر دارم... از مبارزه با غاصبین و بازگرداندن

أَنْقُولُونَ: مَا تُمْحَدُّ مِنْهُ يَا مُحَمَّدٌ ﷺ؟! فَحَطَبٌ جَلِيلٌ

خلافت و فدک... به من بازگردانید... یا می‌گویند محمد ﷺ از دنیا رفت... با مرگش همه چیز تمام شد؟

أَسْتَوْسَعُ وَهْنُهُ، وَأَسْتَنْهَرُ قَفْعُهُ، وَأَنْفَقَ رَنْقُهُ،

آری - رحلت او - حادثه‌ای عظیم است که شکست و عارضه‌اش فراگیر، شکاف آن دامنه‌دار و رخت‌اش

وَاطْلَمَّتِ الْأَرْضُ لِعَيْبَتِهِ وَكُشِفَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٥٩﴾

غیرقابل پوشش است. زمین از فقدان او تاریک شد و خورشید و ماه روپوشانند

وَأَنْتَشَرْتَ النُّجُومَ لِمُصِيبَتِهِ، وَأَكْثَدْتَ الْأَمَالَ وَ

و ستارگان از مصیبتش پراکنده شدند و آرزوها بی‌ثمر گشت. کوه‌ها سر فرود

حَسَعَتِ الْجِبَالَ وَأَضِيعَ الْحَرِبُورُ وَأَزْبَلَتِ الْحُمَةُ عِنْدَ

آوردند و حریم - پیامبر ﷺ - از بین رفت و با رحلت ایشان احترام او پایمال

مَمَانِهِ ﴿٦٠﴾ فَبَلَكَ وَاللَّهِ! النَّازِلَةُ الْكُبْرَى وَالْمُصِيبَةُ

شد ﴿٦٠﴾ به خدا سوگند که این فاجعه‌ای بزرگ و مصیبتی عظیم است که مانند آن،

الْعُظْمَى لَا مِثْلَهَا نَازِلَةٌ وَلَا بَأْتِيَةٌ عَاجِلَةٌ ﴿٦١﴾ أَعْلَنَ

فاجعه‌ای وجود ندارد و در این دنیا مصیبتی مانند آن نیست ﴿٦١﴾ اما این

بِهَا كِتَابُ اللَّهِ - جَلَّ سَنَاؤُهُ - فِي أَفْنَيْكُمْ وَفِي مُنْسَاكُمْ

مصیبت را کتاب خداوند متعال که آن را در خانه‌هایتان در صبح و

وَمُصْبِحِكُمْ ﴿٦٢﴾ بَهْتِفٌ فِي أَفْنَيْكُمْ، هُتَاتًا وَصُرَاخًا

شامگاهان ﴿٦٢﴾ با صدای رسا و بلند و با تلاوت و نوای خوش می‌خوانید؛ پیش‌تر خبر

و تِلَاوَةٍ وَالْحَانَا. وَلَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ

داده بود پیش از او ﷺ نیز درباره‌ی پیامبران و رسولان همین اتفاق افتاد - آنان نیز از دنیا

حُكْمٌ قُضِيَ وَ قَضَاءٌ حَسْمٌ ﴿١٣﴾ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا

رفتند - این حکمی قطعی و سرنوشتی حتمی است که ﴿١٣﴾ محمد فقط فرستاده‌ی

رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَا نَأْفُ

خداست و پیش از او فرستادگان دیگری نیز بودند؛ آیا اگر او بمیرد یا کشته شود

قَتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ

شما به گذشته‌ی خود (جاهلیت) باز می‌گردید؟ و هر که به گذشته‌اش بازگردد

عَقْبِيهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤﴾

هرگز به خدا زبانی نمی‌رساند و خداوند به زودی شاکران را پاداش می‌دهد. ﴿١٤﴾

إِيهَابِنِي قَيْلَةَ! أَأَهْضَمُ شُرَاثَ أَبِي وَأَنْتُمْ بَرَاءٌ مِنِّي

ای فرزندان قیله - ای انصار - از شما بعید است! آیا شما در پیش چشم من باشید

وَمَسْمَعٍ وَ مُتَدَيٍّ وَ جَمْعٍ! تَلَبَّسُكُمْ الدَّعْوَةُ

و صدایم را بشنوید و دارای انجمن و اجتماع باشید آنگاه میراث پدرم را به ستم از

وَتَشْمَلُكُمْ الْخُبْرَةُ وَأَنْتُمْ ذُرُوعُ الْعَدُوِّ وَالْعُدُوَّةُ

من بگیرند؟! دادخواهی‌ام به شما می‌رسد و از جریان باخبر هستید و دارای نفرت،

وَالْأَدَاةُ وَالْفَوْقَةُ وَعِنْدَكُمْ السِّلَاحُ وَالْجُبَّةُ ﴿١٥﴾

آمدگی، تجهیزات و نیرو می‌باشید و سلاح و سپر دارید ﴿١٥﴾

تُوَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ! وَأَنْتُمْ الصَّرْحَةُ

و بی در پی درخواست - و خواهش - را می‌شنوید آنگاه اجابت نمی‌کنید؟! فریاد کمک

فَلَا تُعِينُونَ! وَأَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَالِحِ، مَعْرُوفُونَ

خواهی‌ام به شما می‌رسد و کمک نمی‌کنید؟! این در حالی است که شما را رزمنده

بِالْحَيْرِ وَالصَّلَاحِ وَالنُّجْبَةُ الَّتِي تُنَجِّبُ وَالْحَبْرَةُ

می‌خوانند و به خیر و صلاح معروف هستید و نخبه‌هایی برگزیده‌اید و مردمانی منتخب

الَّتِي أَخْبِرْتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ﴿١٦﴾ قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ وَ

هستید که برای ما اهل بیت انتخاب شده‌اید. ﴿١٦﴾ شما با مشرکان عرب جنگیدید و رنج‌ها

تَحَمَلْتُمُ الْكُفْرَ وَالنَّعْبَ وَنَالِحْتُمُ الْأُمَمَ وَكَانَ فِتْنَتُهُمُ

و سختی‌ها را تحمل کردید و با امت‌های کفر درگیر شدید و با شجاعان بی‌منطق جاهل

الْبُهْمَ لَا تَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ ﴿١٧﴾ نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتُوا بِنِعْمَتِي

روبرو شدید. ﴿١٧﴾ همواره ما فرمان می‌دادیم و شما اطاعت می‌کردید تا آن که سنگ

إِذَا دَارَتْ بِسَارِحِي الْإِسْلَامِ وَدَرَّ حَلَبُ الْأَيَّامِ وَ

آسیاب اسلام به وجود ما به گردش افتاد و برکات روزگار جوشیدن گرفت

خَضَعَتْ لَعَرَّةِ الشِّرْكِ وَ قَوْرَةَ الدُّرُوعِ وَ تَهَمَّتْ مِنْ خُرُوشِ الْإِفْتَادِ وَ

و نعره‌ی شرک فرو خوابید و قوران دروغ و تهمت از خروش افتاد و

خَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ وَ هَدَأَتْ دَعْوَةَ الْهَرَجِ

آتش‌های کفر خاموش شد و دعوت به آشوب و فتنه متوقف

وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ ﴿١٨﴾ فَأَلَىٰ حِزْبِي تَوَعَّدَ الْبَيْتَانَ وَ

گردید و نظام دین انسجام یافت. ﴿١٨﴾ پس چرا اکنون پس از هدایت حبران

أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ ﴿١٩﴾

گفته‌اید و حق را که آشکار شده پنهان می‌کنید؟! چرا پس از پیشروی عقب می‌نشینید ﴿١٩﴾

وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيْمَانِ؟! بُوَسَّ الْقَوْمِ نَكَا أَيْمَانَهُمْ

و پس از ایمان، شرک می‌ورزید؟! بپایان به حال « مردمی که سوگندها پشان

مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ » وَ هَمَّوْا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ

را پس از پیمان شکستند و تصمیم به بیرون راندن رسول گرفتند در حالی که نخستین بار

بَدَّوْكُمْ أَوْلَ مَرَّةٍ أَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ يَخْشَوْهُ

آنها (پیکار با شما را) آغاز کردند، آیا از آنها می‌ترسید؟ یا این که اگر ایمان دارید خدا

إِنَّكُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٧٠﴾ أَلَا وَذَرَىٰ أَنْ قَدْ أَخَلَدْتُمْ

سزاوارتر است که از او بترسید. ﴿٧٠﴾ آگاه باشید که شما را چنین می‌بینم که به پستی

إِلَى الْخَفْضِ وَابْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَالْفَبْضِ

و آسایش روی آورده‌اید و کسی را که سزاوارتر به تدبیر امور بود دور کرده و به آرامش

وَخَلَوْتُمْ بِالذَّعَةِ وَنَجَوْتُمْ بِالضِّيقِ مِنَ السَّعَةِ ﴿٧١﴾ فَجَجْتُمْ

و خوشگذرانی روی آورده و از تنگنا به وسعت رسیده‌اید. ﴿٧١﴾ و - به همین خاطر - آنچه را

مَا وَعَيْتُمْ وَدَسَعْتُمُ الَّذِي تَسَوَّعْتُمْ. ف ﴿٧٢﴾ إِنْ نَكَمُوا

پاس می‌داشتید رها کردید و آن حقیقت گوارایی را که نوشیده بودید قی کردید! ه بدانید

أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٧٣﴾

اگر شما و همه‌ی مردم روی زمین کافر شوید خداوند بی‌نیاز و ستوده است. ﴿٧٣﴾

أَلَا، وَقَدْ قُلْتُمْ مَا قُلْتُمْ هَذَا عَلَىٰ مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْحَدِّ لِكُلِّ

آگاه باشید آنچه را که در اینجا گفتیم، بر زبان آوردم در حالی که می‌دانستم یاری‌ام نمی‌کنید و

الَّتِي خَامَرْتُمْ كُفْرًا وَالْعُدْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتَهَا فَلَوْ بُكْرًا ﴿٧٤﴾

خوارگذاشتن ما با وجودتان در آمیخته و دلها بتان جامه‌ی بی‌وفایی به پیمان پوشیده است. ﴿٧٤﴾

وَلَكِنَّهَا فَيَضَةُ النَّفْسِ وَنَفْسُهُ الْعَيْظُ وَخَوْرُ الْفَنَاءِ ﴿٧٥﴾

اما آنچه را بیان کردم جوششی بود که از جان برخاست و آهی بود که از خشم برآمد. ﴿٧٥﴾ چون در گرفتن خشم

وَبَثَّةُ الصَّدْرِ وَقَدْرَمَةُ الْحُجَّةِ ﴿٧٦﴾ فَذُكُومُهَا فَاحْتَقَبُوهَا

تاوان و بی‌یاور هستم و این تلوه، جانگناه سیه بود و این‌ها را بری انعام حجت گفتیم. ﴿٧٦﴾ پس این - خلافت و

دِرَّةَ الظَّهْرِ تَقْبَةُ الْخُفِّ بِأَقْيَةِ الْعَارِ، مَوْسُومَةٌ بَعَصِبِ

فدک - را بگوید و این - شتر را بری خود - محکم بینداید در حالی که پشش زخمی و پایش لنگ است و ننگ

الْمَجْبَارِ وَسَنَارِ الْأَبْدِ، مَوْصُولَةٌ بِسَارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ ﴿٧٧﴾ الَّتِي

- فصب کردن - آن مهر لختان خواهد بود و از خشم خداوند جبار و بدنامی جباران نشان خواهد داشت و شما را

تَطَّاعٌ عَلَى الْإِفْسَادِ»^{۲۳} ﴿۷۵﴾ فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ. «وَسَيَعْلَمُ

به آتش بر فروخته خدا خواهد رسانید» آتشی که بر دلها شعله می کشد. ﴿۷۵﴾ و هر چه کنید در منظر و دیدرس

الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيْ مُنْقَلِبِينَ تَقْلِبُونَ»^{۲۴} ﴿۷۶﴾ وَأَنَا ابْنَةُ نَذِيرٍ

خلیاست» و کسانی که ستم کردند به زودی خواهند داشت که به کلامین جایگاه باز می گردند» ﴿۷۶﴾ من

«لَكُمْ يَهَيِّئُ بَدْرِي عِلَابَ سَيْدِي»^{۲۵}. فَأَعْمَلُوا إِنَا عَامِلُونَ.

دختر آن کسی هستم که شما را از عذاب سخت بیم می داد. پس به کارتان مشغول باشید.

«وَأَنْظِرُوا إِنَا مُنْتَظِرُونَ»^{۲۶} ﴿۷۷﴾ فَأَجَابَهَا أَبُو بَكْرٍ،

ما نیز به کار خود می پردازیم و منتظر باشید که ما هم منتظریم. ﴿۷۷﴾ ابوبکر در پاسخ

عَبْدُ اللَّهِ بْنِ عُثْمَانَ، وَقَالَ: يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ! لَقَدْ

آن حضرت گفت: ای دختر رسول خدا! پدرت ﷺ نسبت به

كَانَ أَبُوكَ بِالْمُؤْمِنِينَ عَطُوفًا كَرِيمًا رَوْوَفًا

مؤمنان دلسوز، بزرگوار، رئوف و مهربان بود و برای کافران

رَحِيمًا وَعَلَى الْكَافِرِينَ عَدَا بَأَ الْيَمَاءِ وَعِقَابًا عَظِيمًا.

عذابی دردناک و مجازاتی بزرگ بود.

إِنْ عَزَوْنَاهُ وَجَدْنَا هُ أَبَاكَ دُونَ النِّسَاءِ وَأَخَا الْفِتْكَ

اگر بی گیر نسب او شویم می بینیم پدر توست نه پدر دیگران و برادر همدم و

دُونَ الْأَخْلَاءِ. آثَرُهُ عَلَى كُلِّ حَمِيمٍ وَسَاعَدَهُ فِي

شوهر توست نه دیگر دوستان، - پدرت- او را بر تمامی یاوران مقدم می داشت

كُلِّ أَمْرٍ جَسِيمٍ لَا يُجْبِئُكُمْ إِلَّا سَعِيدٌ وَلَا

و او نیز در هر امر مهمی یاری اش می نمود. شما را جز سعادت مند دوست

يُبْغِضُكُمْ إِلَّا سَقِيٌّ بَعِيدٌ. فَأَنْتِ عِزَّةُ رَسُولِ اللَّهِ

نمی دارد و جز بدبخت و دور از رحمت خدا دشمن نمی شمارد. شما خانواده ی

الطَّيِّبُونَ وَالْخَيْرَةُ الْمُتَجَبُّونَ. عَلَى الْخَيْرِ أَدِلَّتْنَا

پاک رسول خدا ﷺ و بهترین برگزیدگان هستید که راهنمایان ما به

وَإِلَى الْجَنَّةِ مَسَالِكُنَا. وَأَنْتِ يَا خَيْرَةَ النِّسَاءِ

سوی خیر و راه‌های ما به سوی بهشتید. تو ای بهترین زنان و دختر

و ابنة خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ! صَادِقَةٌ فِي قَوْلِكَ، سَابِقَةٌ

بهترین پیامبران، در گفتار راستگو و در کمال داشت از دیگران پیش

فِي وَفْوَرِ عَقْلِكَ، عَزِيزَةٌ وَوَدَّعَنَ حَقِّكَ وَلَا

هستی و از حقت باز داشته نخواهی شد

مَصْدُودَةٌ عَن صِدْقِكَ. وَاللَّهِ! مَا عَدَوْتُ رَأَى

و گفتار راستین‌ات رد نمی‌گردد. به خدا سوگند من از نظر رسول خدا

رَسُولِ اللَّهِ وَلَا عَمِلْتُ إِلَّا بِإِذْنِهِ. وَالرَّازِئُ دَلَا

تجاوز نموده و جز با اجازه‌ی او عمل نکرده‌ام، همانا پیشاهنگ به

بِكَذِبِ أَهْلِهِ. وَإِنِّي أَشْهَدُ لِلَّهِ، وَكَفَى

گروه خود دروغ نمی‌گوید و من خدا را گواه می‌گیرم و گواهی او کافی است

بِرَّ شَهِيدًا، أَنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ، يَقُولُ: نَحْنُ

که از رسول خدا ﷺ شنیدم می‌فرمود: ما پیامبران طلا،

مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا تَوَرَّتْ ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً وَلَا دَارًا

نقره، خانه و زمین به ارث نمی‌گذاریم ما فقط کتاب،

وَلَا عِمَارًا وَإِنَّمَا تَوَرَّتِ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

حکمت، علم و نبوت از خود به جای می‌گذاریم و از متاع

وَالْعِلْمَ وَالشُّبُوهَ. وَمَا كَانَ لَنَا مِنْ طُعْمَةٍ، فَلَوْ لِي

آنچه در دست ماست پس از ما از آن سرپرست حکومت بعد از ما خواهد بود،

الْأَمْرِ بَعْدَنَا أَنْ يَحْكُمَ فِيهِ بِحُكْمِهِ. وَقَدْ

که هر گونه می‌خواهد درباره‌ی آن حکم نماید. ما هم آنچه را

جَعَلْنَا مَا حَاوَلْتُمْ فِي الْكُرَاعِ وَالسَّلَاحِ، يُقَاتِلُهُ

تو در پی آن هستی - درآمد فدک را - برای تهیه‌ی اسب و سلاح قرار دادیم تا

بِهَا الْمُسْلِمُونَ وَبِحَا هُدُونَ الْكُفَّارَ وَبِحَالِدُونَ

مسلمانان به وسیله‌ی آن با کفار بجنگند و با سرکشان ستمکار جهاد کنند و این

الْمَكْرَدَةَ الْفُجَّارَ. وَذَلِكَ بِاجْتِمَاعِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ لَهُ

کار با اتفاق نظر مسلمانان صورت گرفت و من به تنهایی چنین تصمیمی نگرفتم

أَنْفَرِدَ بِهِ وَخِدِي وَلَمْ أَسْتَبِدَّ بِمَا كَانَ الرَّأْيُ

و در نظری که داشتم خود رأی نبودم. این دار و ندار من است و اکنون در

عِنْدِي. وَهَذِهِ حَالِي وَمَالِي! هِيَ لَكَ وَبَيْنَ يَدَيْكَ

اختیار توست، آن را از تو دور نمی‌سازم و آن را فقط برای خودم ذخیره

لَا تُزَوِّى عَنْكَ وَلَا نَدْخُرُ دُونَكَ. وَإِنَّكَ وَأَنْتَ سَيِّدَةٌ

نمی‌کنم بطوری که تو از آن بی نصیب باشی. تو بانوی اُمّت پدرت

أُمَّةَ أَبِيكَ وَالشَّجَرَةَ الطَّيِّبَةَ لِبَنِيكَ. لَا نَدْفَعُ مَالِكَ

و درخت پاک فرزندان هستی. ما منکر فضیلت تو

مِنْ فَضْلِكَ وَلَا نُؤْضِعُ فِي فَرْعِكَ وَأَصْلِكَ. حُكْمُكَ

نبوده و از اصل و فرع تو چیزی کم نمی‌داریم.

نَأْفِدُ فِيهَا مَلَكَةً يَدَايَ. فَهَلْ تَرَيْنَ أَنْ أُخَالَفَ فِي

هر آنچه از اموال شخصی من بخواهی پذیرفته است اما آیا نظرت این است که در این باره - فدک -

ذَلِكَ أَبَاكَ؟ فَقَالَتْ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُبْحَانَ اللَّهِ! مَا كَانَ إِلَيَّ

با پدرت مخالفت نمایم! فاطمه علیها السلام فرمود: سبحان الله! پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ كِتَابِ اللَّهِ صَادِقًا وَلَا لِأَحْكَامِهِ

از کتاب خدا روی گردان نبود و با احکام و فرامین آن مخالفت نمی کرد بلکه

مُخَالِفًا بَلْ كَانَ يَسْبَعُ آتْرَمَ وَيَقْفُو سُورَهُ ﴿٨٧﴾ أَتَجْمَعُونَ إِلَى

کاملاً از آن پیروی نموده و دنبال رو سوره هایش بود. ﴿٨٧﴾ آیا در توجیه حیاتی که بر

الْعَدْرِ اعْتَدَلًا لَعَلَّاهُ بِالزُّورِ ۱۹ وَ هَذَا بَعْدَ وَقَاتِهِ

آن همدست شده اید دروغ و بهتان به پیامبر ﷺ می بندید؟! این خیانت پس از وفات آن حضرت مانند آن

شَيْءٍ يَمَّا بَعِيَ لَكُمْ مِنَ الْعَوَائِلِ فِي حَيَاتِهِ ﴿٩٠﴾ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ

توطئه ای است که بر ضد او در زمان حیاتش - توسط شما - انجام می شد. ﴿٩٠﴾ این کتاب خداست؛

حَكَمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَضْلًا ۲۰ يَعْزِلُ ۲۱ وَ هَذَا بَعْدَ وَقَاتِهِ

داوری سرپا عدل و سخنگویی که حکم قطعی و حرف آخر را می زند، می فرماید: « تا از من و از

مِنَ آلِ يَعْقُوبَ ۲۲ ﴿٩١﴾ وَ يَعْزِلُ ۲۱ « وَ وَرَثَتِهِ سَلَامًا ۲۳ ۲۸

آل یعقوب ارث ببرد » ﴿٩١﴾ و می فرماید: « سلیمان از داود ارث برد »

وَبَيْنَ عَزَّ وَجَلَّ فِيمَا وَزَع مِنَ الْأَقْسَاطِ وَ سَرَعَ مِنْ

خداوند در آنجا که نحوی تقسیم ارث را بیان داشته و قانون

الْفَرَائِضِ وَ الْمِيرَاثِ وَ أَبَاحَ مِنْ حِطِّ الذَّكْرَانِ وَ الْأُنَاثِ ۲۴ ﴿٩٢﴾

میراث را بنیان نهاده و سهم مردان و زنان را توضیح داده است. ﴿٩٢﴾

مَا أَرَاكَ بِهِ عِلَّةَ الْمُجْطَلِينَ وَ أَرَاكَ التَّطَيُّقَ وَ الشُّبُهَاتِ

این قوانین را به گونه ای روشن ساخته است که جای برای توجیه باطل پیشگان نگذاشته و گمراهی و

فِي الْعَابِرِينَ ۲۵ ﴿٩٣﴾ كَلَّا ۲۶ « بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ

شبهه را برای آیندگان از میان برده است. ﴿٩٣﴾ هرگز چنین نیست، (بلکه نفس شما این کار - زشت - را برایتان

أَمْرًا قَصَبٌ حَسِيلٌ وَ لِلَّهِ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ۲۹ ﴿٩٤﴾

زینت داده - - حال که چنین است - من شایسته شکیبایی می ورزم و در برابر آنچه می گوید از خداوند یاری

فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ: صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَتْ ابْنَتُهُ؛

می‌جویم ﴿۱۰﴾ ابوبکر به آن بانو گفت: خدا و فرستاده‌اش و دختر او راست گفتند.

أَنْتِ مَعْدِنُ الْحِكْمَةِ وَمَوْطِنُ الْهُدَى وَالرَّحْمَةِ

تو معدن حکمت و محل هدایت و رحمت بوده

وَرُكْنُ الدِّينِ وَعَيْنُ الْحُجَّةِ. لَا أَبْعُدُ صَوَابِكَ وَ

و رکن دین و حجت کامل هستی. من گفتار درست تو را رد نمی‌کنم و

لَا أَنْكِرُ خِطَابِكَ، هُوَ لَاءُ الْمُسْلِمِينَ بَيْنِي وَ

سخنانت را منکر نمی‌شوم، اکنون این مسلمانان میان من و

بَيْنِكَ، قَدْ دَوْنِي مَا تَقَلَّدْتُ وَبِاتِّفَاقٍ مِنْهُمْ أَخَذْتُ

تو گواهان. آنچه را - از خلافت - بر عهده گرفتم، آنان بر گردنم گذاشتند و آنچه را

مَا أَخَذْتُ، غَيْرَ مُكَابِرٍ وَلَا مُسْتَبِدٍ وَلَا

را قبول کردم با اتفاق نظر آنان بود بی آن که لجابت و خودرایی کرده و

مُسْتَأْثَرٍ. وَهُمْ بِذَلِكَ شُهُودٌ ﴿۱۱﴾ قَالَتْ فَاطِمَةُ رَضِيَ

خود را مقدم داشته باشم. ﴿۱۱﴾ فاطمه رضی روی به مردم کرد

إِلَى النَّاسِ وَقَالَتْ: مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ! الْمُسْرَعَةَ إِلَى

و فرمود: ای مسلمانان! چه سریع به سوی گفتار باطل رفتید

قِيلَ الْبَاطِلِ الْمُعْضِيَّةَ عَلَى الْفِعْلِ الْقَيْحِ الْخَاسِرِ ﴿۱۲﴾

و بر کار زشت زیانبار چشم فرو بستید، ﴿۱۲﴾

«أَفَلَا يَنْدَرُونَ الْقُرْآنَ عَلَى قُلُوبِ قِفَالِهَا؟» ﴿۱۳﴾ كَلَّا

آیا در قرآن نمی‌اندیشید یا این که بر دلهای‌تان قفل زده‌اند. ﴿۱۳﴾

بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَا آسَأْتُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ، فَأَخَذَ

چنین نیست، بلکه کارهای زشتی که کردید دلهای‌تان را فرا گرفته

يَسْمِعُكُمْ وَأَبْصَارِكُمْ. وَلَيْسَ مَا تَأْوَلْتُمْ وَسَاءَ

و گوش و چشم شما را فرو بسته است و چه ناروا کار را بازگردانید و چه بد راهی را

مَا يَدُ أَشْرُتُمْ وَشَرَّ مَا مِنْهُ اغْتَضَبْتُمْ ﴿٤٨﴾ لَتَجِدَنَّ وَاللَّهِ الْخَلْجَةَ

نشان دادید و چه نارواست آنچه غضب کرده و به ستم گرفتید. ﴿٤٨﴾ به خدا سوگند که عقوبت

تَفْتِيلًا وَغَيْبُهُ وَسِيلاً إِذَا كَشِفَتْ لَكُمْ الْغَطَاءُ وَبَاتَ

این کار را سنگین خواهید دید و پیامدش را فاجعه‌آمیز خواهید یافت. هنگامی که پرده‌ها

بِالدِّرَائَةِ الصَّرَاءِ وَبَدَّ الْكُفْرُ مِنْ رَبِّكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا

به کنار رود و سختی‌ها و عذابهای پشت آن پدیدار گردد و از سوی پروردگارتان برایتان آنچه که فکرش را

نَحْتَسِبُونَ. ﴿٤٩﴾ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ﴿٥٠﴾ نَمَّ

هم نمی‌کنید آشکار شود، در آن هنگام باطل پیشگان زیانکارند. ﴿٥٠﴾ سپس

عَطَفَتْ عَلَى نَجْرِ النَّبِيِّ ﷺ وَقَالَتْ: ﴿٥١﴾

روی به قبر پیامبر ﷺ آورد و عرضه داشت: ﴿٥١﴾

فَذَكَانَ بَعْدَكَ أَنْبَاءٌ وَهَنْبَةٌ

پس از تو حوادث و گرفتاری‌هایی پدید آمد

لَوْ كُنْتَ شَاهِدًا لَمْ تَكُنْ الْحُطْبَ ﴿٥٢﴾

که اگر حضور می‌داشتی مصیبت فراوان نمی‌شد. ﴿٥٢﴾

إِنَّا فَتَدْنَاكَ فَفَتَدَ الْأَرْضِ وَإِلَيْهَا

ما تو را از دست دادیم بسان زمینی که باران را از دست دهد

وَاحْتَلَّ قَوْمُكَ فَاشْهَدُ هُمْ وَلَا نَغِبَ ﴿٥٣﴾

و پس از رفتنت قوم تو دگرگون شدند گواهشان باش و از آنان غائب نشو! ﴿٥٣﴾

وَ كُلُّ أَهْلِ لَهٗ قُرْبَىٰ وَمَنْزِلَةٌ

هر خویشاوندی که در نزد پستگان و نزدیکان از مکان و منزلتی برخوردار است

عِنْدَ الْإِلَهِ عَلَى الْأَدْنَىٰ مُقْتَرَبٌ ﴿٩٤﴾

نزد خدا آن منزلت پذیرفته است. ﴿٩٤﴾

أَبَدْتُ رِجَالًا لَنَا جُوعِي صُدُّوهُمْ

گروهی از مردان آنچه در سینه داشتند علیه ما آشکار کردند

لَمَّا مَضَيْتَ وَحَالَتْ دُونَكَ التُّرْبُ ﴿٩٥﴾

در زمانی که رفتی و خاک میان ما و تو پرده کشید. ﴿٩٥﴾

جَمَّهَمُنَا رِجَالًا وَأَسْخَفَتِ بِنَا

وقتی از دست رفتی مردانی بر ما هجوم آوردند

لَمَّا فُقِدْتَ وَكُلُّ الْأَرْضِ مُعْصَبٌ ﴿٩٦﴾

ما را ناچیز شمردند و همه‌ی میراث ما را غصب کردند. ﴿٩٦﴾

وَكُنْتَ بَدْرًا وَنُورًا بَسْتَضَاءُهُ

ماه کامل و نوری بودی که از آن فروغ می‌گرفتند

عَلَيْكَ تُنَزَّلُ مِنَ ذِي الْعَرْزَةِ الْكُتُبُ ﴿٩٧﴾

و از جانب خداوند عزیز بر تو کتاب نازل می‌شد. ﴿٩٧﴾

وَكَانَ جِبْرِيْلُ بِالْآيَاتِ يُؤْنِسُنَا

جبرئیل با آیات وحی مونس ما بود

فَصَدُّ فُؤَدَاتِ وَكُلُّ الْخَيْرِ مُجْتَجِبٌ ﴿٩٨﴾

تو رفتی و تمامی خیرها از ما پنهان گشت. ﴿٩٨﴾

فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَادِقًا

کاش پیش از آن که خاک‌ها میان ما

لَمَّا مَضَيْتَ وَحَالَتْ دُونَكَ الْكُتُبُ ﴿٩٩﴾

و شما حایل شوند مرگ ما فرا رسیده بود. ﴿٩٩﴾

وَنِكَالٍ وَفَعِيدَةٍ وَتَسْمُرُهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ ﴿١١٧﴾ وَنَالَهُ! لَوْ

جنگاوری او و سخت گیری اش درباره ی خدا ناخوش بودند. ﴿١١٧﴾ به خدا سوگند

مَالُوا عَنِ الْمَحْجَةِ اللَّائِيحَةِ وَزَالُوا عَنِ قَبُولِ الْحُجَّةِ

می خورم که اگر علی علیه السلام را می پذیرفتند... هرگاه که از راه روشن دور می شدند و از پذیرش برهان

الْوَاضِحَةِ، لَرَدَّهُمْ إِلَيْهَا وَحَمَلَهُمْ عَلَيْهَا وَكَسَارَ بِلَامٍ

اشکار سرباز می زدند؛ او آنها را به راه بازمی گرداند و بر قبول حق و اداری می ساخت و اهسته آنها را به

سَيْرًا سَجْعًا لَا يَكْلُمُ خَشَا شُهُ وَلَا يَكِلُ سَائِرُهُ ﴿١١٨﴾

پیش می برد به طوری که مرکب آسیبی نیندو رونده زحمت نهمند. ﴿١١٨﴾ و سوار خسته نگردد.

وَلَا يَكِلُ رَاكِبُهُ وَلَا وَرَدَهُمْ مِنْهَا لَأَبْرَأَ صَائِبًا

در آبشخوری زلال واردشان می ساخت که از آبی پاک و صاف بهره مند

رَوِيًّا تَطْفَحُ صَفْتَاهُ وَلَا يَتَرْتَبُونَ جَانِبَاهُ وَلَا صَدْرَهُمْ ﴿١١٩﴾

گردند. آبگیری سرشار و لبالب که از هیچ سوی گل آلود و کدر نبود. ﴿١١٩﴾

بِطَانًا وَنَصَحَ لَهُمْ سِرًّا وَإِعْلَانًا وَلَمْ يَكُنْ يَتَحَلَّى

سیراب بازشان می گرداند و در پنهان و آشکار خیرخواهی می نمود. این گونه نبود که از درایی

مِنَ الدُّنْيَا بِطَانِلٍ وَلَا يَحْظِي مِنْهَا بِتَائِلٍ غَيْرَ رِيٍّ

دنیا خود را به زیوری و زبشی بهره مند سازد و بهره ی خویش را فراوان قرار دهد. جز جرعه ای

التَّاهِلِ ﴿١٢٠﴾ وَسَبْعَةِ الْكَافِلِ وَكِبَانٍ لَهُمُ الرَّاهِدُ

که تشنگی را فرو نشاندند ﴿١٢٠﴾ و قلمه ای که گرسنگی را برطرف سازد. آن هنگام برایشان آشکار می شد که

مِنَ الرَّايِبِ وَالصَّادِقُ مِنَ الْكَاذِبِ ﴿١٢١﴾ وَوَأَوَاتٍ

زاهد کیست و دنیاخواه کیست؛ درست کردار کلام است و دروغگو کیست! ﴿١٢١﴾ اگر ساکنان آبادی ها

أَهْلُ الرِّيِّ آمَنُوا أَتَقُولُ فَتَحْنَاهُمْ عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ

ایمان آورده و پرهیزگار می شدند برکات را از آسمان و زمین

مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا

بر ایشان می گشودیم ولی تکذیب کردند و به کیفر آن چه انجام

كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٣٥﴾ «وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هُنُوْلًا

دادند آن ها را گرفته ایم ﴿٣٥﴾ و کسانی از اینان که ستم کردند به زودی

سَيُصِيبُهُمْ مَسِيئَاتٌ مَّا كَسَبُوا وَمَا هُمْ

نتیجه ی زشت کاری شان به آنان خواهد رسید و نتوانند که به ستیزه جویی

بِمُعْجِزَاتِنَا ﴿٣٦﴾ «أَلَا هَلُمُّ قَا سَمْعٌ وَمَا عِشَتْ أَرَاكَ

یا خدا... بر خیزند. ﴿٣٦﴾ اکنون بشناب و بشنوا زمانه چه بسیار امور شگفتی به تو نشان

الدَّهْرِ عَجَبًا. ﴿٣٧﴾ «وَأِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ ﴿٣٧﴾

خواهد داد! و اگر شگفت زده می شوی پس شگفتی گفتار آنان است! ﴿٣٧﴾

لَيْتَ شِعْرِي! إِي أَيْ سِنَادٍ اسْتَدُوا ١٤ وَإِلَى أَيْ

ای کاش روشن بود به کدام تکیه گاه تکیه زدند؟ و بر چه پشتوانه ای

عَادَ اعْتَمَدُوا ١٤ وَبِأَيِّ عُرْوَةٍ تَمَسَّكُوا ١٤ وَعَلَى آيَةٍ

اعتماد آوریدند؟ به کدام ریسمان آویختند؟ وعلیه کدام ذریه و خاندان

ذُرِّيَّةٍ أَقْدَمُوا ١٤ وَاحْتَكُوا ١٤ «لَيْسَ الْمَوْلَىٰ وَ لَيْسَ

اقدام کرده و چیره شدند؟ ﴿٣٥﴾ چه بد سرپرستی گرفته و چه بد

العَشِيرَةِ ٣٨ «وَلَيْسَ لِلظَّالِمِينَ بَلَدًا ٣٩﴾ «اسْتَبَدُّوا

همراهی برگزیدند و برای ستم کاران چه جایگزین ناپستی است! ﴿٣٨﴾ به خدا سوگند افراد

وَاللَّهِ! الذُّنَابِي بِالْقَوَادِمِ وَالْعَجْرَ بِالكَاهِلِ فَرَعْمًا

پست و دنبالرو را بر شریف و بزرگ قوم ترجیح دادند و جای بزرگان را به فرومایگان سپردند.

لِمَعَاطِسِ قَوْمٍ ﴿٣٧﴾ «بَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ٤٠﴾

به خاک مالیده باد بینی گروهی که «گمان می کنند چه نیکو عمل کرده اند» ﴿٣٧﴾

«أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِن لَّا يَشْعُرُونَ» ﴿١٣٦﴾

در حالی که آنها تباه کارانند ولی نمی دانند. ﴿١٣٦﴾

وَيَحْهَمُهُمْ! «أَفَمَن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحْوَابُ أَمْ

وای بر آنها آیا کسی که به سوی حق هدایت می کند شایسته‌ی

يُنَبِّعُ أَتَمَن لَّا يَهْدِي إِلَّا أَن يَهْدِيَ قَوْمًا لَّكُم

پیروی است یا کسی که هدایت نمی شود مگر آن که او را راهنمایی

كَيْفَ لِحُكْمُوتِكُمْ» ﴿١٣٧﴾ أَمْ أَلَعَمْرِي! لَقَدْ لَقِيتُ

کنند. شما را چه شده که این گونه داوری می کنید! ﴿١٣٧﴾

فَنظِرَةً لِّرَبِّمَآ أَنبِئُكَ ثُمَّ أَخْتَلَبُوا مِثْلَ الْقَعْبِ دَمًا

به جانم سوگند که _ فتنه _ به بار نشست پس اندکی صبر کنید تا ثمر دهد. پس با کاسه‌های لبالب _

عَبِطًا وَذَعَا فَا مِيسِدًا. هُنَالِكَ بَخَسِرُ الْمُبْطِلُونَ

از این شتر فتنه _ خون تازه بدوشید و سم هلاک کننده بگیرید. آن هنگام بیهوده کاران زیانکارند و

وَيَعْرِفُ التَّالُونَ غِيبَ مَا أَسَّسَ الْأَوَّلُونَ ﴿١٣٨﴾ ثُمَّ

آیندگان عاقبت آنچه را که پیشینان بنیان نهاده‌اند می چشند. ﴿١٣٨﴾

طَبُوا عَنْ دُنْيَاكُمْ أَنفُسًا وَأَطْمَئِنُوا لِلْفِتْنَةِ

به دنیا‌ی خود خوش باشید و دل به فتنه گرم دارید ﴿١٣٩﴾

جَاسًا ﴿١٣٩﴾ وَأَبْشِرُوا بِسَيْفِ صَارِمٍ وَسَطْوَةِ مُعْتَدٍ غَاشِمٍ

ولی به شمشیری برنده خود را مزده دهید و چیرگی ستمگری و تجاوز را

وَيَهْرَجِ شَامِلٍ وَاسْتَبْدِلِ مِنَ الظَّالِمِينَ، يَدْعُ

آماده باشید و نیز پریشانی فراگیر و خودرأیی ستمکاران را. که اندکی از

فَيْتَكُمُ زَهِيدًا وَجَمَعَكُمْ حَصِيدًا ﴿١٤٠﴾ فَيَا حَسْرَةً

ثروت برایتان بگذارد و جمعیت شما را درو کند. ﴿١٤٠﴾ چه پشیمانی‌ها که برای

لَكُمْ! وَأَنِّي بِكُمْ^{۱۹} وَقَدْ عُمِيَّتْ عَلَيْكُمْ

شعاست. کجا هستید؟ اینک _ عواقب کار _ بر شما پنهان و پوشیده است؛ آیا شما را به

أَنْزِمُكُمْ مَوْهَا وَأَنْزِمُ لَهَا كَارِهُونَ^{۴۳} قَالَ سُوَيْدٌ بِنُ عَفَلَةَ

اجبار به کاری واداریم در حالی که آن را ناخوش می‌شمارید. ^{۴۳} سويد بن غفله می‌گوید:

فَأَعَادَتِ النِّسَاءُ قَوْلَهَا لِلنَّبِيِّ عَلَى رِجَالِهَا مِنْ فَجَاءِ إِلَيْهَا

زنان سخنان حضرت را بر مردان خویش بازگفتند. به همین دلیل گروهی از مهاجرین

قَوْمٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ مُعْتَذِرِينَ وَقَالُوا: يَا

و انصار برای عذرخواهی به نزد ایشان آمده و گفتند: ای بانوی بانوان! اگر ابوالحسن

سَيِّدَةَ النِّسَاءِ! لَوْ كَانَ أَبُو الْحَسَنِ ذَكَرَ لَنَا هَذَا الْأَمْرَ

علی ^{علیه السلام} _ این امر را پیش از آن‌که پیمان برای دیگری جاگیر شده و بیعت محکم

قَبْلَ أَنْ يُبْرَمَ الْعَهْدُ وَيُحْكَمَ الْعَقْدُ لَمَا عَدَلْنَا

گردد یادآوری کرده بود ما از او روی گردان نشده و به شخصی دیگر

عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ^{۱۷۳} فَقَالَتْ ^{علیها السلام}: إِلَيْكُمْ عَنِّي! فَلَا

راضی نمی‌شدم. ^{۱۷۳} عاتمه ^{علیها السلام} فرمود: از من دور شوید؛ پس از یاری نکردن

عُدَّ رُبْعًا تَعْذِيرَكُمْ وَلَا أَمْرًا بَعْدَ تَقْصِيرِكُمْ^{۱۷۴}

ما دیگر هیچ بهانه‌ای ندارید و دیگر بعد از این کوتاهی‌تان _ در دفاع از حق _ کاری با شما نداریم. ^{۱۷۴}

آدرس آیات

۱. سورة آل عمران؛ آیه ۱۰۲.
۲. سورة فاطر؛ آیه ۲۸.
۳. سورة توبه؛ آیه ۱۲۸.
۴. سورة آل عمران؛ آیه ۱۰۳.
۵. سورة انفال؛ آیه ۲۶.
۶. سورة مائده؛ آیه ۶۴.
۷. سورة توبه؛ آیه ۴۹.
۸. سورة انعام؛ آیه ۹۵.
۹. سورة كهف؛ آیه ۵۰.
۱۰. سورة آل عمران؛ آیه ۸۵.
۱۱. سورة مائده؛ آیه ۵۰.
۱۲. اشاره به سورة مريم؛ آیه ۲۷.
۱۳. سورة نمل؛ آیه ۱۶.
۱۴. سورة مريم؛ آیه ۵ و ۶.
۱۵. سورة انفال؛ آیه ۷۵.
۱۶. سورة نساء؛ آیه ۱۱.
۱۷. سورة بقره؛ آیه ۱۸۰.
۱۸. سورة انعام؛ آیه ۶۷.
۱۹. سورة هود؛ آیه ۳۹.
۲۰. سورة آل عمران؛ آیه ۱۴۴.
۲۱. سورة توبه؛ آیه ۱۳.
۲۲. سورة ابراهيم؛ آیه ۸.
۲۳. سورة همزه؛ آیه ۷.
۲۴. سورة شعراء؛ آیه ۲۲۷.
۲۵. سورة سبأ؛ آیه ۴۶.
۲۶. سورة هود؛ آیه ۱۲۲.
۲۷. سورة مريم؛ آیه ۶.
۲۸. سورة نمل؛ آیه ۱۶.
۲۹. سورة يوسف؛ آیه ۱۸.
۳۰. سورة محمد؛ آیه ۲۴.
۳۱. سورة مؤمن؛ آیه ۷۸.
۳۲. سورة مائده؛ آیه ۸۰.
۳۳. سورة هود؛ آیه ۴۴.
۳۴. سورة زمر؛ آیه ۱۵.
۳۵. سورة اعراف؛ آیه ۹۶.
۳۶. سورة زمر؛ آیه ۵۱.
۳۷. سورة رعد؛ آیه ۵.
۳۸. سورة حج؛ آیه ۱۳.
۳۹. سورة كهف؛ آیه ۵۰.
۴۰. سورة كهف؛ آیه ۱۰۴.
۴۱. سورة بقره؛ آیه ۱۲.
۴۲. سورة يونس؛ آیه ۳۵.
۴۳. سورة هود؛ آیه ۲۸.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا عَطَيْنَاكَ الْكُتُبَ

فَصَلِّ رُبَّكَ وَخُذْ

إِنْ شِئْتَ مِنْهَا لَبَتْرًا

